فصلنامه علمی-تخصصی هنر پژوه
انجمن علمی- دانشجویی پژوهش هنر دانشگاه الزهرا(س)
سال هشتم، شماره ۲۶، پاییز ۱۳۹۹

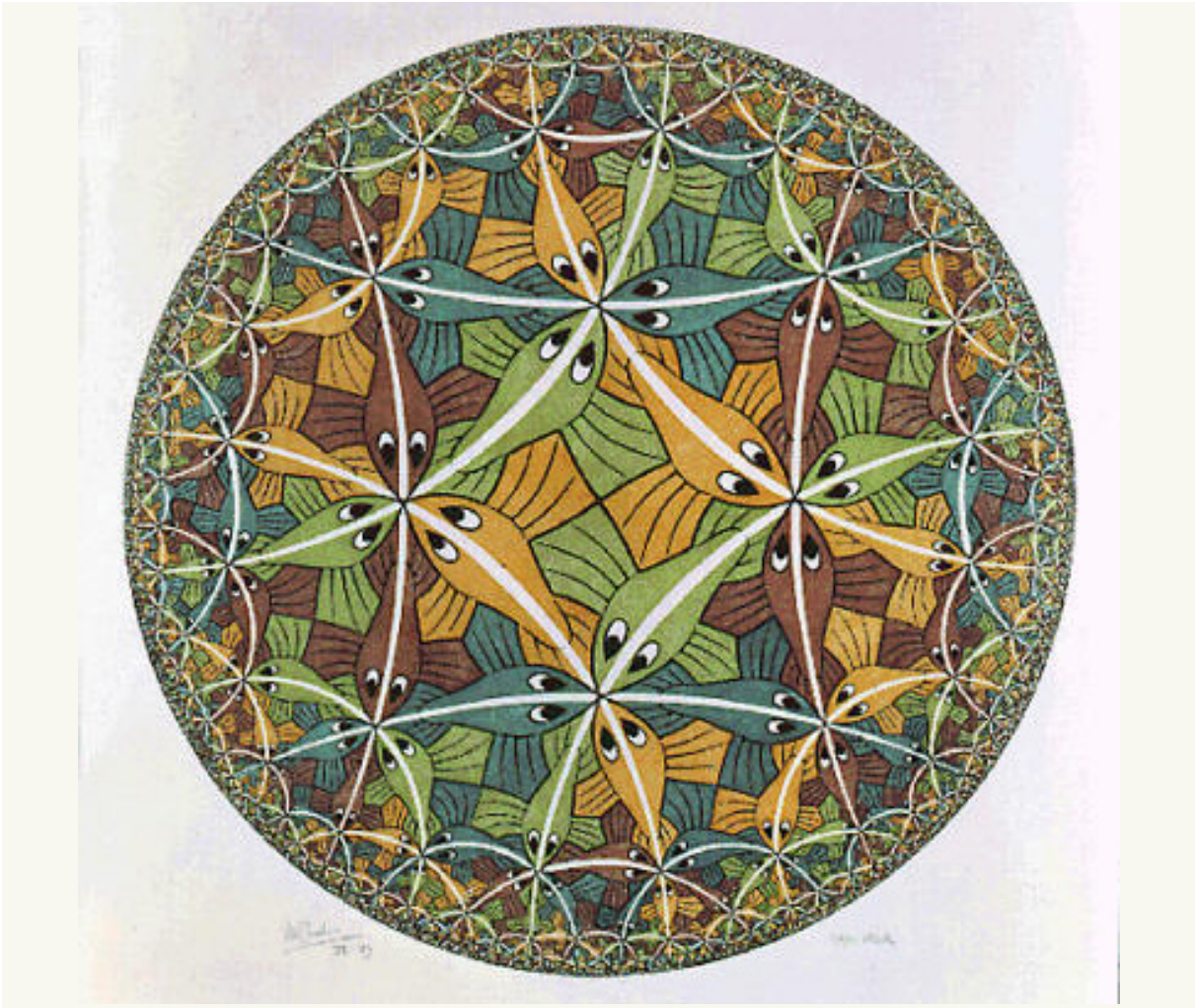

دایره محدود III، اثر موریس اشر، سال ۱۹۵۹

نقش حیاط مرکزی در تعدیل حرارتی مساجد نمونه موردی (مساجد کاشان).....مهشید دهقانیان
تجربه در آموزش؛ نظریه جان دیویی.....فریماه فاطمی
آتش و آتشکده در دین زرتشت.....مریم فاطمی
معرفی هنرمند، موریس اشر.....ساراسادات نوری
معرفی مجموعه کتاب بچه محل نقاشها: انتشارات هوپا.....عارفه سامی
گزارش نمایشگاه شوروشین عاشورایی.....فریدون مردانی

فصلنامه علمی-تخصصی هنر پژوه
انجمن علمی-دانشجویی پژوهش هنر دانشگاه الزهرا(س)

صاحب امتیاز: انجمن علمی-دانشجویی پژوهش هنر دانشگاه الزهرا(س)
مدیر مسئول: فریماه فاطمی سردبیر: سارا سادات نوری
اعضای هیات تحریریه به ترتیب حروف الفبا:
پروانه احمدی، سیما بهراد، الهه پنجه باشی، اعظم حکیم، رویا روزبهانی، ملوسک رحیم زاده تبریزی، مستوره سرحدی، محبوبه طاهری، سپیده طراوتی محجوبی، طیبه عزت اللهی نژاد، فریماه فاطمی، مریم فاطمی، فرزانه فلاحی، پریسا فیروزکوهی، افسون لاشایی، آزاده مرادی، فاطمه مرسلی توحیدی، الهه مروج، سارا سادات نوری، نسترن نوروزی، سپیده یاقوتی، سمیه یزدانی
کارشناس نشریه: دکتر زهرا وزیری استاد مشاور: دکتر فاطمه کاتب
مدیر هنری و صفحه آرا: فاطمه مرسلی توحیدی
لیتوگرافی و چاپ: دامون
نشانی: تهران، میدان ونک، خیابان ده ونک، دانشگاه الزهرا(س)، واحد نشریات.
تلفن: ۸۸۰۴۱۳۴۳

شیوه نامه

مقالات پژوهشی، علمی و تحلیلی فارسی و انگلیسی در زمینه هنر و علوم بینارشته‌ای، نقد و گزارش‌های علمی و هنری، معرفی کتب مرتبط با موضوع هنر، معرفی آثار بدیع هنری و چهره‌ها و رویدادهای موثر هنری برای انتشار در نشریه هنرپژوه پذیرفته می‌شوند.
مقالات ارسالی باید دارای چکیده، واژگان کلیدی، مقدمه، بدنه، نتیجه و فهرست منابع بوده و بین ۲۵۰۰ تا ۳۵۰۰ کلمه باشند.
عکس ها، تصاویر، جداول و نمودارهای مورد نیاز مطالب باید همراه منابع آنها و با کیفیت ۳۰۰ *dpi* ارسال شوند.
نویسندگان اطلاعات خود را بدین شرح ارسال کنند: نام و نام خانوادگی، رتبه علمی و جایگاه شغلی، نشانی الکترونیک، تلفن

مطالب به پست الکترونیکی زیر ارسال شوند تا پس از بررسی و تایید در اولویت چاپ قرار گیرند.

Art.re.ir92@gmail.com

تنها آن دسته از مقالات که توسط هیات داوران مناسب تشخیص داده شوند مورد پذیرش قرار خواهد گرفت. مقالات مندرج لزوماً نقطه نظرات هنرپژوه نبوده و مسئولیت مقالات به لحاظ علمی و حقوقی بر عهده نویسندگان محترم است.

سرمقاله..... ۳

نقش حیاط مرکزی در تعدیل حرارتی مساجد نمونه موردی (مساجد کاشان)..... ۴

مهشید دهقانیان

تجربه در آموزش؛ نظریه جان دیویی..... ۱۸

فریماه فاطمی

آتش و آتشکده در دین زرتشت..... ۲۱

مریم فاطمی

معرفی هنرمند، موریس اشر..... ۲۷

سارا سادات نوری

معرفی مجموعه کتاب بچه محل نقاشها: انتشارات هوپا..... ۳۲

عارفه سامی

گزارش نمایشگاه شوروشین عاشورایی..... ۳۹

فریدون مردانی

هنرپژوه

فصلنامه هنر پژوه سعی دارد ارتباط موثری میان هنرمندان با مخاطبان، در زمینه‌های مختلف هنری برقرار سازد تا نیل به دستاوردهای نوین پژوهشی میسر گردد. خوانندگان این فصلنامه، می‌توانند با مطالعه مطالب مفید و سودمند موجود در این نشریه، اطلاعات هنری و بینارشته ای خود را وسعت بخشند و نیز گردانندگان این نشریه را در فراهم آوردن بستری مناسب برای دستاوردهای تازه و نظرات دانشجویان یاری نمایند. دنیای هنر همواره آماده دریافت پژوهشهای نوین می باشد و نشریه پیش رو، امکان دسترسی و تداوم انتقال اطلاعات را فراهم کرده است. در این راستا، رسالت عمده هنرپژوه، اشاعه علوم و دستاوردهای هنری و بینارشته‌ای است که توسط پژوهشگران و دانشجویان زمینه‌سازی شده است. پژوهشگران می توانند با ارایه موارد زیر پشتوانه ای برای ارتقای سطح علمی نشریه باشند:

مقالات علمی، معرفی کتاب، معرفی هنرمند، اثر هنری و نقد هنری(گزارش یا مصاحبه)، گزارش نمایشگاه، نشست های علمی، همایش ها و رویداد های هنری، معرفی رویکرد های تحقیقاتی در حوزه هنر، گزارش بناهای و شهرهای تاریخی. امید آن است دانشجویان و پژوهشگران سخت‌کوش، با ارسال ایده ها و یافته‌های مفید و ارزشمند خود، ما را در اعتلای هرچه بیشتر اهداف‌مان یاری نمایند.

در اینجا لازم می دانم که از همکاران، پژوهشگران و تلاشگرانی که به منظور دستیابی به نتایج بهتر برای فراهم آوردن این شماره همت داشته‌اند سپاسگزاری شده، همچنین در دیگر شماره های آتی نیز شاهد حضور موثر و پرثمرشان باشیم.

سردبیر

نقش حیاط مرکزی در تعدیل حرارتی مساجد نمونه موردی (مساجد کاشان)

مهشید دهقانیان

کارشناس ارشد مهندسی معماری، دانشکده هنر و معماری
دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

mahshid.abtin@gmail.com

چکیده

نقش حیـــاط را می توان به عنـــوان نماد و هویت معماری ایرانی دانســـت. شـــکل گیری حیاط ها در معمـــاری ایرانی به عواملی همچون شـــرایط اقلیمی بســـتگی دارد. این عوامل در شـــکل گیری فضاهـــای باز تأثیـــر گذارند. با مطالعـــه و دقت در معماری ســـنتی ایرانی به ایـــن موضوع پی می بریـــم که حیاط مرکزی در تعدیل شـــرایط نامناســـب آب و هوایی و ایجاد شـــرایط آســـایش نقش بسزایی داشـــته اســـت. در این راســـتا، پژوهش حاضر به بررسی موضوعات شـــهر کاشان، مسجد، اقلیـــم، حیاط مرکزی بـــا روش توصیفـــی- تحلیلی پرداختـــه و اصول طراحی حیـــاط مرکزی در مســـاجد کاشـــان را ارایه می دهد. تحقیـــق حاضر به دنبال بررســـی چگونگـــی تطبیق معماری با اقلیم در شـــهر کاشـــان و چگونگی توجه به شـــرایط آب و هوایی در ایجاد مســـاجد در این شهر اســـت. مطالعه مبانی شـــکل دهنده معماری در بستر شـــهرهای ایرانی نشـــان می دهد که همواره طبیعت نقش بســـزایی در شـــکلگیری شـــهرها و به تبع آن معماری داشـــته اســـت. بـــا توجه به اقلیـــم کویری شـــهر کاشـــان توجه به وجود حیـــاط مرکزی در ایجاد شـــرایط آســـایش و تعدیل حرارتی بســـیار قابل توجه اســـت. این مقاله به بررســـی و نحـــوه تأثیرگذاری حیـــاط مرکزی در ایجاد شـــرایط آســـایش و تعدیل حرارتی مســـاجد کاشـــان با بررســـی ۱۰ نمونه موردی مساجد تاریخی شـــهر کاشـــان می پردازد و به صورت شـــاخص به بررســـی و تحلیل عوامل طبیعی(تابش، بـــاد، گیـــاه، آب) در حیاط های مرکزی پرداخته اســـت. هـــدف تحقیق پیـــش رو مطالعه‌ی نقش حیاط مرکزی در ایجاد شـــرایط آســـایش و پاســـخگویی به این پرســـش است.

واژگان کلیدی: کاشان، مسجد، اقلیم، حیاط مرکزی

۱- مقدمه

اقلیـم یکـی از مهـم تریـن عوامـل زیسـت محیطـی اسـت کـه در چگونگـی رفتـار و حـالات کلـی انسـان هـا نقـش اساسـی ایفـا مـی نمایـد. یکـی از اثـرات مهـم اقلیـم در زندگـی انسـان هـا، سـاخت و سـاز بناهـا مطابـق بـا ایـن شـرایط و ایجـاد شـرایط آسـایش حرارتـی بـه وسـیله پارامترهـای اقلیمـی مـی باشـد. بنابرایـن ایجـاد آسـایش گرمایـی در بناهـا، یکـی از اهـداف اقلیـم معمـاری مـی باشـد (گرجـی مهلبانـی و همـکاران، ۱۳۹۰: ص ۳۲). حیـاط مرکـزی بـه عنـوان یکـی از فاکتورهـای مهـم و اصلـی معمـاری سـنتی در اقلیـم گـرم و خشـک شـناخته شـده اسـت. در ایـن مناطـق پرهیـز از سـرمای زمسـتان و گرمـای تابسـتان کـه بـه طـور نسـبی در یـک سـوم سـال اتفـاق مـی افتـد دارای اهمیـت اسـت، لـذا بایـد تبـادل حـرارت از طریـق جـدار سـاختمان بـه حداقـل ممکـن رسـانده شـود و از تابـش آفتـاب در مواقـع سـرد و جریـان خنـک بادهـای مطبـوع در مواقـع گـرم، حداکثـر اسـتفاده بـه عمـل آیـد (طاهبـاز، ۱۳۸۷). دراین مقالـه دلیـل موثـر بـودن ایـن حیـاط هـا در ایجـاد آسـایش حرارتـی و ایجـاد شـرایط مناسـب زندگـی در دمـای بـالای شهرکاشـان مـورد بررسـی قـرار مـی گیـرد. بـه طـور کلـی تطبیـق شـیوه هـای زندگـی بـا شـرایط اقلیمـی از خصوصیـات بسـیار مهـم نواحـی اقلیـم گـرم و خشـک از جملـه شـهر کاشـان اسـت کـه عملکـرد فضاهـا را تحـت تأثیـر خـود قـرار مـی دهنـد و سـعی مـی شـود، نقـش اصلـی پدیـده هـای جغرافیایـی در شـکل گیـری حیـاط مرکـزی در اقلیـم گـرم و خشـک را مـورد بررسـی قـرار دهـد. بـرای ایـن منظـور بایـد بـه پرسـش‌های زیـر پاسـخ داده شـود:

پرسـش اصلـی: نقـش حیـاط مرکـزی در تعدیـل حرارتـی چیسـت؟

پرسـش‌های فرعـی: ویژگـی حیـاط مرکـزی مسـاجد شـهر کاشـان چیسـت؟

حـوض آب در حیـاط مسـاجد چـه تأثیـری در تعدیـل حرارتـی فضـای حیـاط ایجـاد مـی کنـد؟

۲- پیشینه تحقیق

بـا توجـه بـه بررسـی هـای صـورت گرفتـه می‌تـوان گفـت کـه پیـش از ایـن مطالعاتـی پیرامـون حیـاط مرکـزی صـورت گرفتـه اسـت. طراحـی اقلیمـی، روشـی بـرای کاهـش همـه جانبـه هزینـه انـرژی یـک سـاختمان اسـت. طراحـی سـاختمان اولیـن خطـوط دفاعـی در برابـر عوامـل اقلیمـی خـارج مـی باشـد. در تمـام اقلیم‌هـا، سـاختمان‌هایی کـه بـر اسـاس اصـول طراحـی اقلیمـی سـاخته شـده‌اند، ضـرورت گرمایـش و سـرمایش مکانیکـی را بـه حداقـل کاهـش مـی دهنـد، در عـوض از انـرژی طبیعـی موجـود در اطـراف سـاختمان‌ها اسـتفاده مـی کننـد. ایـن امـر موجـب صرفه‌جویـی در مصـرف انـرژی می‌شـود و در اسـتفاده بهینـه از شـرایط محیطـی در ایجـاد آسـایش بـرای زندگـی در داخـل سـاختمان‌ها یاری‌رسـان خواهـد بـود (*Watson, D Labs, K*, ۱۹۸۹). در ایـن پژوهـش ابتـدا اصـول طراحـی مسـاجد سـنتی شـهر کاشـان و بـا توجـه بـه شـرایط اقلیمـی، ویژگی‌هـای معمـاری مـورد بررسـی قـرار مـی گیـرد.

۳- روش تحقیق

پژوهـش حاضـر از نـوع توصیفـی تحلیلـی مـی باشـد. مطالـب گـردآوری شـده در ایـن تحقیـق، ازکتـب، مقـالات پژوهشـی و بـرای تکمیـل کـردن اسـناد مربـوط بـه نقشـه هـا از اینترنـت اسـتفاده شـده اسـت. بـر اسـاس اسـناد یافتـه شـده از آنهـا، متغیرهـای مـورد بررسـی در ایـن نوشـتار بـه دو بخـش تقسـیم شـده. متغیـر مسـتقل، فرهنـگ و اقلیـم و متغیـر وابسـته، شـکل مسـجد و بـه ویـژه حیـاط مرکـزی می‌باشـد. در ایـن تحقیـق، جامعـه آمـاری تعـدادی مسـجد در اقلیـم گـرم و خشـک مـورد بررسـی مـی باشـد.

۴- معرفی منطقه کاشان

شـهر کاشـان مرکـز شهرسـتان کاشـان اسـت کـه در عـرض جغرافیایـی ۵۱.۵۸ درجـه شـرقی و ۳۳،۹۸ درجـه شـمالی قـرار دارد. جمعیـت ایـن شـهر طبـق سـر شـماری سـال ۱۳۸۵ هجـری شمسـی مرکـز آمـار ایـران برابـر ۲۴۸،۷۸۹ نفـر بـوده اسـت . ایـن شـهر در فاصلـه ۲۷۰ کیلومتـری از جنـوب تهـران و در بیـن دو کـوه کرکـس نطنـز و دشـت کویـر سـکنی دارد. همجـواری کاشـان بـا کویـر مرکـزی ایـران باعـث گردیـده تـا آب و هـوای ایـن شـهر از نظـر اقلیمـی گـرم و خشـک باشـد. در اقلیـم گـرم و خشـک رطوبـت هـوا ناچیـز اسـت و پوشـش گیاهـی چندانـی وجـود نـدارد و بادهایـی کـه در نواحـی کویـری و حاشـیه کویـر مـی وزنـد، بادهـای تـوأم بـا گـرد و غبـار

مـی باشـند. یکـی از مهمتریـن عناصـر تأثیـر گـذار در رونـد شـکل گیـری حیـاط هـای مرکـزی در ایـن شـهر تطابـق بـا شـرایط اقلیمـی و فراهـم نمـودن محیـط مناسـب زندگـی در ایـن منطقـه بـوده اسـت. هایدگـر مـی گویـد: «سـکونت بیانگـر برقـراری پیونـدی پـر معنـا بیـن انسـان و محیطـی مفـروض مـی باشـد کـه ایـن پیونـد در تلاشـی بـرای هویـت یافتـن، یعنـی بـه مکانـی حـس تعلـق داشـتن اسـت» (*Heidegger*,۱۹۶۲:۸۳).

۵-مسجد

مسـجد از جملـه فضاهـای شـهری اسـت کـه در همـه ی محـلات بافـت قدیـم شهرکاشـان وجـود دارد. محـلات کاشـان گـردا گـرد مسـجد، امـام زاده و یـا دیگـر ابنیـه مذهبـی شـکل گرفتـه انـد، یـه طـوری کـه در بافـت قدیـم شـهر کاشـان بالـغ بـر یکصـد مسـجد وجـود دارد. در طراحـی مسـجد در ایـن منطقـه گرمـای طاقـت فرسـا تابسـتان و سـرمای زمسـتان و نوسـان درجـه حـرارت مـورد توجـه قـرار مـی گرفتـه اسـت، تـا در طـول شـبانه روز آرامـش و آسـایش را بـرای افـراد بـه همـراه بیـاورد. لـذا بـا توجـه بـه شـرایط متغیـر محیطـی در طـی اوقـات شـبانه روز و فصـول مختلـف سـال اصـول کلـی ذیـل رعایـت شـده اسـت. در ایـن منطقـه بیشـتر مصالـح بـه کار رفتـه در سـاختمان هـا از جنـس خشـت و آجـر بـوده بـه لحـاظ وزن سـنگین ایـن گونـه مصالـح و ضخامـت زیـاد کالبـد مسـجد دیوارهـای خارجـی و طـاق هـای مسـجد عـلاوه بـر فراهـم نمـودن جـرم حرارتـی بـرای سـاختمان ماننـد یـک عایـق حرارتـی ضخیـم باعـث جلوگیـری از تبـادل حـرارت بیـن داخـل و خـارج از سـاختمان مـی شـود. در بعضـی از مسـاجد مناطـق کویـری ایـران یـک زیـر زمیـن نسـبتا کوچـک ماننـد مسـجد جامـع یـزد و یـا یـک زیـر زمیـن نسـبتا بـزرگ ماننـد زیـر زمیـن مسـجد آقـا بـزرگ در کاشـان و یـا زیـر زمیـن مسـجد جامـع نایییـن وجـود دارد و موقعـی کـه گرمـا و سـرما خـارج از محـدوده تحمـل انسـان یاشـد، از ایـن مـکان جهـت اقامـه نمـاز اسـتفاده مـی شـود (قبادیـان،۲۸۳۱، ۲۸۱). بارزتریـن مشـخصه مسـجد در منطقـه گـرم و خشـک وجـود حیـاط مرکـزی همـراه بـا حـوض آب باعـث تعدیـل درجـه حـرارت هـوا مخصوصـا در تابسـتان مـی شـود. مسـاجد موجـو در شـهر کاشـان در نقشـه شـماره مـکان یابـی شـده اسـت .

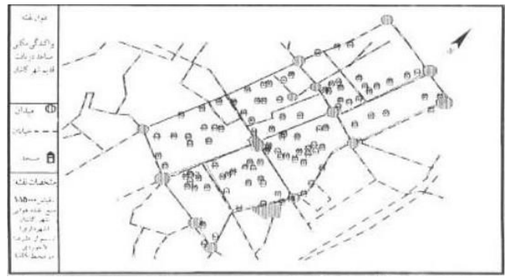

تصویر(۱): مهمترین مساجد موجود در بافت قدیم شهر کاشان

۶- معرفی نمونه های موردی

مسـجد وزیـر- مسـجد آقـا - مسـجد تبریزی‌هـا - مسـجد بـالا بـازار - مسـجد میـر عمـاد - مسـجد حبیـب موسـی- مسـجد کفش‌دوزهـا - مسـجد پیـر چـراغ نمونه‌هایـی از مسـاجد شـهر کاشـان مـی باشـد کـه مـورد بررسـی قـرار مـی گیـرد. نمونه‌هـای ذکـر شـده از نظـر سـطح اشـغال، مسـاحت، ارتفـاع، سـایه انـدازی، و جـود و عـدم وجـود حیـاط، حـوض، پوشـش گیاهـی، وجـود و عـدم وجـود طبقـه تحتانـی مـورد بررسـی قـرار گرفتـه اسـت، سـپس از نظـر نزدیـک بـودن پلان‌هـا بـه حجـم و بافـت متراکـم کـه از خصوصیت‌هـای معمـاری بومـی نیـز مـی باشـد، مـورد بررسـی قـرار گرفتـه اسـت. در جـدول زیـر بحـث تناسـبات مطـرح می‌شـود. از ایـن رو ابعـاد و انـدازه هـای حیـاط مـورد بررسـی قـرار گرفتـه اسـت تـا بهتریـن جریـان هـوا در حیـاط مشـخص شـود. بـا بررسـی کلـی تصاویـر حیـاط مرکـزی، مشـخص می‌شـود کـه نسـبت عـرض بـه ارتفـاع یـک حیـاط مرکـزی چگونـه در میـزان جریـان هـوای آن موثـر اسـت. از ایـن مقایسـه نتیجـه گرفتـه مـی شـود کـه بیشـترین جریـان هـوا درون حیـاط مرکـزی برقـرار می‌شـود کـه عـرض حیـاط ۲ برابـر ارتفـاع جداره‌هـای پیرامـون حیـاط مرکـزی باشـد. محـل درختـان و فواصـل میـان آنهـا نیـز بـر میـزان جریـان هـوای درون حیـاط مرکـزی موثـر اسـت. مناسـب‌ترین فـرم حیـاط مرکـزی نیـز جهـت گیـری شـمالی - جنوبـی اسـت و در نمونـه موردی‌هـای ذکـر شـده مـورد بررسـی قـرار گرفتـه اسـت.

جدول ۱: بررسی نمونه موردی‌ها، منبع: نگارنده

ردیف	مسجد	حیاط مرکزی	مقطع	تناسبات ارتفاع جداره‌ها به عرض حیاط	پوشش گیاهی	جهت گیری
۱	حبیب موسی		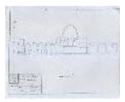	۱:۱ عدم امکان تهویه طبیعی	راستای حیاط: شمالی-جنوبی مطلوب	فاقد پوشش گیاهی
۲	وزیر کاشان		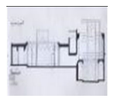	۱۳. جربان طبیعی هوا در حیاط امکان پذیر است.	راستای حیاط: شمالی-جنوبی مطلوب	فاقد پوشش گیاهی
۳	کفش‌دوزها	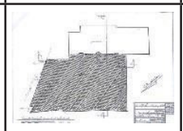		۳/۱:۱ عدم امکان تهویه طبیعی	راستای حیاط: شمالی-جنوبی مطلوب	بعلت عدم پوشش گیاهی از شرایط آسایش پایین تری برخوردار است.
۴	مسجد آقا	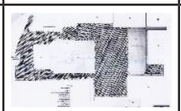		حیاط بالا ۱:۵ حیاط پایین: ۱:۳ تهویه طبیعی مناسب در هر دو حیاط	راستای حیاط: شمالی-جنوبی مطلوب	قرار گیری درختان در مرکز حیاط بهترین شرایط آسایش حرارتی
۵	بالا بازار		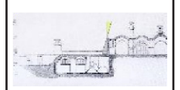	۳:۱ تهویه طبیعی	راستای حیاط: شرقی-غربی نامطلوب	بعلت عدم پوشش گیاهی از شرایط آسایش پایینی برخوردار است.
۶	تبریزی‌ها	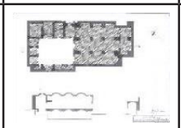		۱:۲ جربان طبیعی هوا در حیاط امکان پذیر است.	راستای حیاط: شرقی-غربی نامطلوب	پوشش گیاهی در حیاط آسایش حرارتی مساعدی ایجاد کرده
۷	میرعماد			۱:۲ جربان طبیعی هوا در حیاط امکان پذیر است.	راستای حیاط: شمالی-جنوبی مطلوب	بعلت عدم پوشش گیاهی از شرایط آسایش پایین تری برخوردار است.
۸	پیرچراغ		عدم دسترسی به مقطع	امکان بررسی وجود ندارد.	راستای حیاط: شمالی-جنوبی مطلوب	بعلت عدم پوشش گیاهی از شرایط آسایش پایین تری برخوردار است.

۷ - اقلیم شهرکاشان

به طور کلی شهرستان کاشان به دلیل تأثیرپذیری شدید از کویر مرکزی ایران دارای اقلیم خشک است. این شهر در ناحیه دشتی و پست شهرستان واقع است. آبادی های اطراف کاشان که به دامنه کوهستان متصل هست، عموما دارای آب و هوایی لطیف و معتدل می باشد. ولی مناطق اطراف کاشان که از جانب شمال شرق به زمین های شوره زار کویر مرکزی ایران اتصال پیدا می کند دارای هوای خشک و سوزان می باشد. آب و هوا در قسمت جلگه ای کاشان نیز گرم و خشک است. دلیل اصلی خشکی هوای کاشان مجاورت آن با دشت کوی و تعلق آن به منطقه خشک فلات ایران و قرارگیری درحاشیه کویر مرکزی است. براساس تقسیم بندی اقلیمی خانم طاهبازکاشان دراقلیم کویری قراردارد که در ادامه به بررسی مشخصات آب وهوای کویری این شهر براساس تقسیم بندی ایشان می‌پردازیم .

۸ - مشخصات آب وهوای کویری

۸-۱ - نیازهای اقلیم کویری

این اقلیم دارای تابستانهای بسیار گرم وخشک و زمستانهای سرد می باشد. دراین مناطق پرهیز از گرمای شدید و بادهای سوزان و غبار آلود تابستان ،سرمای شدید و سوزهای سرد زمستان همچنین مبارزه با خشکی هوا حائز اهمیت زیادی است.

۸-۱-۱ -گرما وسرما

۹تا۱۰ماه از سال، روزها نیاز به سایه وجود دارد. درعین حال ۶تا۷ماه از این ایام سایه به تنهایی کفایت نمی کند و استفاده از مصالح مناسب و برودت تبخیری آب شرایط آسایش را فراهم می کند. در این میان ۲تا۳ماه حوالی ظهر، دما به بالاتر از۳۸ درجه سانتیگراد می رسد و موجب وارد آمدن فشارهای فیزیکی بر انسان می شود. در شب های این ایام حدود۱ تا۵ ماه از سال هوا مطبوع است. در شب های دیگر با استفاده از مصالح مناسب وگرمای خورشیدی ذخیره شده در جداره های ساختمان می توان به شرایط مطلوب در داخل بنا دست یافت. در مواقع سرد، شب ها تقریبا در۴ تا ۶ ماه از سال و روزها در برخی از مناطق این اقلیم حداکثر تا۱ ماه از سال افزون براستفاده از مصالح مناسب وگرمای خورشیدی ذخیره شده در جداره های ساختمان، استفاده از وسایل گرمایشی نیز ضروری است .

دربخش نیازهای اقلیمی با استخراج اطلاعات ازسایت اداره هواشناسی استان اصفهان سعی شده با کمک نمودارها، مقایسه ای به شرح زیر بین سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴میلادی در رابطه با اقلیم شهر کاشان ارایه گردد .

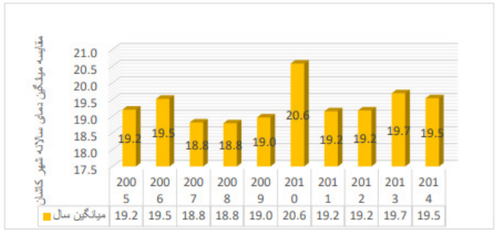

تصویر(۳): میانگین دما بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ (ماخذ نگارنده)

با توجه به نمودار (۱) مشاهده می شود در سالهای ذکر شده دما بین ۱۸.۸درجه تا۲۰.۶درجه می باشد که نشان می دهد میانگین دمای سالانه شهر از هوای معتدلی برخوردار می باشد. متوسط دمای هوا در سالهای مختلف اختلاف چشم گیری ندارند و درسال۲۰۱۰بیشترین میانگین دمای هوا دراین شهر بوده است.

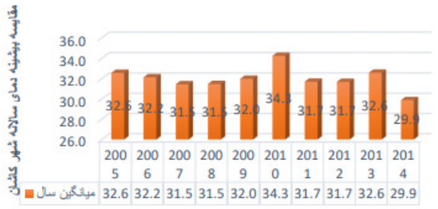

تصویر(۴): بیشینه دما بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ (ماخذ نگارنده)

با توجه به نمودارشماره(۲) داده های اقلیمی ۱۰سال اخیر بررسی شده است. با مقایسه میانگین پیشینه دمای شهر کاشان مشاهده می گردد در سال های ذکر شده پیشینه دما بین ۲۹.۹ درجه تا ۳۴.۳درجه بوده است که نشان می دهد میانگین پیشینه دمای سالانه شهر از هوای نسبت گرمی برخوردار بوده و نیازمند تمهیداتی دراین زمینه است. متوسط پیشینه دمای هوا دراغلب سال ها اختلاف چشمگیری ندارند و در سال۲۰۱۰ بیشترین میانگین بیشینه دمای هوا در این شهراست .

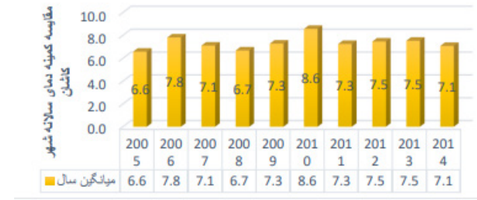

تصویر(۵): کمینه دما بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ (ماخذ نگارنده)

با توجه به نمودار شماره(۳) مشاهده می گردد در سال های ذکر شده کمینه دما بین ۶.۶درجه تا۸.۶ درجه می باشد که نشان می دهد میانگین کمینه دمای سالانه شهر از هوای نسبتا سردی برخوردار می باشد و سال ۲۰۱۰ مانند دو نمودار فوق با۸.۶ درجه، بیشترین میانگین کمینه دمای هوا در این شهررا داشته است. با توجه به نمودارتمهیداتی جهت عدم ورودهوای گرم به فضای داخلی باید انجام شود که از آن جمله می توان به مواردی همچون نوع مصالح مصرفی و حیاط مرکزی اشاره نمود.

۸-۱ -۲ - رطوبت

دو رکن اساسی که در سرمایش غیر فعال تبخیری وجود دارد، رطوبت و جریان هوا است (سلطان دوست ،۱۳۹۰: ۵۰۲). استفاده از اب نما موجب افزایش رطوبت می شود. در حقیقت در سرمایش تبخیری میزان گرمای کل تغییر نمی کند بلکه در تماس با اب تنها گرمای محسوس کاهش می یابد(همان: ۵۰۱) از این رو در اقلیم گرم و خشک، افزودن رطوبت روشی مناسب برای بهبود شرایط اسایش حرارتی در حیاط مرکزی است. محل قرار گیری عامل رطوبت زا)آب نما(و همچنین درختان در میزان برقراری شرایط اسایش حرارتی بسیار موثر هستند. در این اقلیم درمواقع گرم میزان رطوبت هوا درحدی است که می توان با استفاده از برودت تبخیری حاصل ازسطوح آب وگیاه هوا را خنک کرد. به این ترتیب خشکی آزار دهنده هوا نیز برطرف خواهد شد.

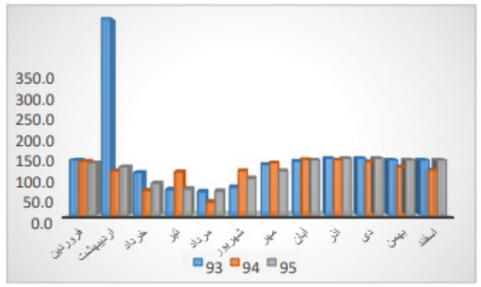

تصویر(۶): بیشینه رطوبت بین سال‌های ۹۳ تا ۹۵ (ماخذ نگارنده)

نمودار(۴)، نشانگر میانگین پیشینه رطوبت ۳سال اخیر شهرکاشان است. در سال های ذکر شده پیشینه رطوبت هوا به علت کاهش بارندگی در فصل تابستان کمتر از سایر فصول است.

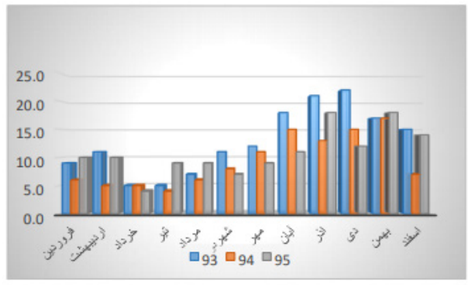

تصویر(۷): کمینه رطوبت بین سال‌های ۹۳ تا ۹۵ (ماخذ نگارنده)

در نمودار۵ مقایسه کمینه رطوبت شهر کاشان مشاهده می گردد که در ماه های سرد سال کمینه رطوبت بیشترودرماه های گرم سال کمینه رطوبت کمتر است. همچنین در سال ۹۳ میزان کمینه رطوبت دراغلب ماههای سال بیشترازسال های ۹۴ و ۹۵ است و نیازمند تمهیداتی به منظور جبران رطوبت است.

۸-۱-۳ - یخبندان

یخبندان کمتر از۲ماه از سال اتفاق می افتد. در ۱ تا۲ ماه احتمال وقوع پدیده ذوب وانجماد وجود دارد که موجب تخریب مصالح ساختمانی می شود. در ۳ تا۴ ماه ازسال شب ها دمای هوا به کمتراز ۵درجه تنزل می کند. توام شدن این شرایط با جریان باد، سوز سرد همراه دارد.

۸-۱-۴ - باران

دراین اقلیم هیچگاه بارندگی ماهیانه بیشتر از ۲۰۰ میلی متر نیست وبه دلیل کمبود بارش‌های جوی مشکل کج باران وجود دارد .

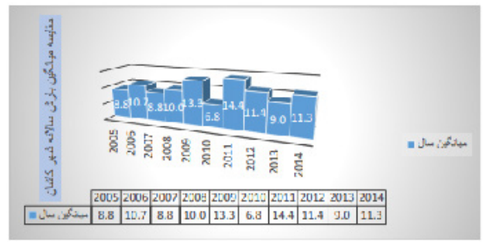

تصویر(۸): میانگین بارش بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ (ماخذ نگارنده)

همانطور که در نمودار۶ مشاهده می گردد، بیشترین بارش در سال های ذکر شده بین ۶.۸ تا۱۴.۴میلیمترمی باشد. با توجه به نمودارهای فوق درسال ۲۰۱۰ میانگین دمای هوا بیش ازسایرسال ها بوده و کمترین میزان بارش نیزدر همین سال است. اختلاف میانگین بارش دراغلب سالها نیزتقریبا قابل ملاحظه می باشد.

۹ - عناصر تأثیر گذار درشکل گیری و سازماندهی فضایی حیاط‌های مرکزی

یک امر کلی که تقریبا در رابطه با کلیه ساختارهای سنتی ایران صدق می کند، همگونی آن ها و محیط مسکونی با عوامل اقلیمی است. عواملی که بر شرایط اقلیمی یک منطقه تأثیر می گذارد شامل زاویه تابش خورشید، عرض جغرافیایی یعنی دوری و نزدیکی از خط استوا، شدت جریان بادهای فصلی، وجود آب، رطوبت و گیاه در منطقه است. در این مقاله به چهار عنصر حیاتی طبیعت که در شکل گیری و سازماندهی فضایی حیاط مرکزی تأثیر به سزایی دارند، توجه شده است، این عناصر پاسخگوی برخی جنبه های نیازهای مادی، معنوی و روانی انسان است که به اختصار و درحد نیاز در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد.

۹-۱ -تابش و نور

حیاط مرکزی در اقلیم گرم و خشک، کانون خانه های مسکونی به شمار می‌رود. فضایی که هم می‌خواهد حریم امن خانه را از نورها و تابش‌های آزار دهنده تابستان در امان بدارد و هم در عین حال آن را در زمستان به کار ببرد. تابش نور خورشید در این اقلیم بسیار حائز اهمیت است، زیرا « انرژی خورشیدی در حال انتقال می‌باشد. زمین در حدود ۱۵۰ میلیون کیلومتر از خورشید فاصله دارد و کم تر از۰/۰۰۰۰۰۰۰ ۲درصد انرژی ساطع شده از خورشید را دریافت می کند ،اما از طرف دیگر انرژی ساطع شده از خورشید۹۷/۹۹ درصد کل انرژی موجود در جو را تأمین می کند» (۹ و ۱۹۶۸,*Trewateha*) . «تابش مهمترین عاملی است که آب و هوای اقلیم را کنترل می کند، زیرا علت غائی کل تغییرات و حرکات جو است. اقلیم هر مکانی متشکل از اکتساب یا اتلاف گرما به صورت تابش می باشد» (۱۹۷۲.۶ , *Lamb*) از نظر دریافت انرژی خورشیدی، این اقلیم در محدوده تابش زیاد و خیلی زیاد واقع شده است. لذا در انتخاب رنگ و جنس مصالح جداره های خارجی ساختمان و محیط پیرامون آن باید دقت کرد تا از یک طرف مشکل رنگ پریدگی به وجود نیاید و از طرف دیگر بتوان ازگرمای حاصل حداکثر استفاده را نمود.

۹-۲ - باد

دمای هوا از تابش نور خورشید تأثیر مستقیمی می پذیرد.«منبع اصلی انرژی جوی، خورشید است که می نواند به شکل حرارت در هوا احساس شود. سطوح زمین و دریا، این انرژی تابشی را جذب می کنند و آن را به گرما و سایر اشکال انرژی تبدیل می کنند» (۲۵ و Trewateha,۱۹۶۸) باد نیز تعیین کننده قدرتمندی است که در کنار دما، نقش مهمی در ایجاد تعادل هوا در حیاط مرکزی ایفا می کند.«باد بیشتر از آن که جزء عوامل اقلیمی باشد به عنوان کنترل کننده اصلی دما و بارندگی است و از آنجایی که بر میزان تبخیر اثر می گذارد، بردمای موثر اثر می گذارد»(Ibid,۶۵). نقش حیاط مرکزی در مواجهه با تابش و دمای هوا و کنترل آن توسط باد بسیار حائز اهمیت است. دونهام توضیحی کلی برای این موضوع ارائه می دهد: «با آمدن شب، هوای گرم حیاط مرکزی بالا رفته و به تدریج به وسیله هوای خنک شب که در قسمت بالای حیاط وجود دارد، جایگزین می شود. این هوای خنک در لایه های نازک

بدنه های حیاط ذخیره شده و سپس به فضاها و اتاق های اطراف حیاط منتقل می‌گردد. در صبح هوای حیاط مرکزی به آرامی گرم شده و سرما تا هنگامی که تشعشعات خورشید به طور مستقیم به فضای حیاط بتابد، باقی می ماند. باد گرم که در طول روز از بالای خانه عبور می کند داخل فضای حیاط نمی شود و تنها کوران هایی در فضای داخل حیاط ایجاد می کند» (Dunhamm ,۱۹۶۰). در شهر کاشان میانگین سرعت باد حدود ۶/۵ نات می باشد. کم ترین سرعت باد در این شهر در ماه های پاییز و بیش ترین میزان سرعت باد در اواخر زمستان و اوایل بهار رخ میدهد. در ماه های ژانویه و مه جهت وزش باد در شهر کاشان ۳۶۰ درجه(شمالی)، در ماه های فوریه، مارس و آوریل ۲۷۰ درجه (غربی) و ماه های ژوئن ،جولای، آگوست، اکتبر، نوامبر و دسامبر جهت وزش باد ۴۵ درجه (شمال شرقی) می باشد . باتوجه به شرایط بیوکلیمایی شهر کاشان، در ماه های گرم سال مانند ژانویه که دمای هوا بالا می باشد، جریان هوا می تواند به صورت گرم باد عمل نموده و باعث رکود شرایط بیوکلیمایی گردد. بنابراین در این ماه ها جلوگیری از نفوذ هوا با داخل ساختمان ها ضروری می باشد(گرجی مهلبانی و همکاران ،۱۳۹۰، ص۳۵). به طور کلی باد در برخورد با موانع، به طرفین منحرف شده و سرعتش کاهش می یابد اما پس از طی فاصله ای دوباره این جریان همگرا شده و به شکل اولیه در می اید (سلطاندوست ۱۳۹۰: ۴۵۳). البته در این اقلیم به علت کم بودن رطوبت ،جریان هوا با سرعت کم نیز موجب بهبود شرایط آسایش حرارتی از طریق تبخیر و عرق بدن می شود (کسمایی ۱۳۸۲: ۱۲۹).

تصویر(۲)، نشان می دهد که در صورت باز بودن بخشی از جداره ها حداکثر سرعت باد و بنابراین حداکثر میزان آسایش حرارتی با توجه به جهت گیری بنا چگونه تغییر می کند. درتابستانهای این مناطق، احتمال وزش بادهای گرد بادی همراه با گرد و غبار از سمت کویر وجود دارد که به باد دیوانه معروف است. سرعت این باد ها گاه به حدی است که خساراتی نیز به بار می‌آورد.

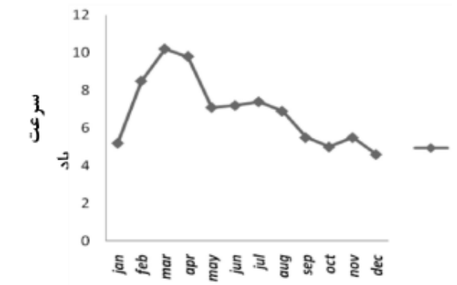

تصویر(۹):تغییرات سرعت باد در شهر کاشان (نات) Kasmai, Ahmadinezhad

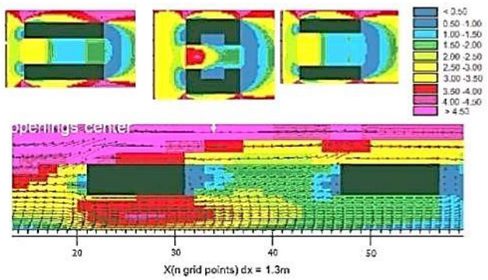

تصویر (۱۰) : سرعت جریان هوا در حیاط مرکزی،
مأخذ: Bekovic and others ۲۰۱۲

در تصویر شماره(۳)، (*w*) نشان دهنده عرض حیاط مرکزی و(*h*) نشان دهنده ارتفاع جداره های پیرامون حیاط مرکزی است . درحالت)الف(عرض حیاط مرکزی بیشتر از دو برابر ارتفاع جداره ها، در حالت (ب) عرض حیاط دو برابر ارتفاع جداره ها و در حالت (ج) عرض حیاط کمتر از دو برابر ارتفاع جداره ها می باشد با بررسی کلی شکل، مشخص می شود که نسبت عرض به ارتفاع یک حیاط مرکزی چگونه در میزان جریان هوای ان موثر است. از این مقایسه می توان نتیجه گرفت که بیشترین جریان هوا درون حیاط مرکزی برقرار می باشد که عرض حیاط مرکزی ۲ برابر ارتفاع جداره های پیرامون حیاط مرکزی است. محل درختان و فواصل میان آن ها نیز بر میزان جریان هوای درون حیاط مرکزی موثر است البته باید توجه داشت که این عامل باید با وضعیت باز

شوهای جداره ها به طور همزمان مورد بررسی قرار گیرد اما چنانچه آسایش حرارتی حیاط مرکزی به طور مستقل بررسی شود تصویر(۴) بهترین حالت قرار گرفتن درختان نزدیک به جداره هاست.

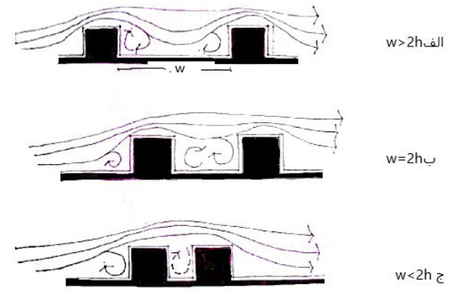

تصویر (۱۱): تأثیر نسبت ارتفاع به عرض حیاط مرکزی در جریان هوا

رطوبت و حضور آب در حیاط های مرکزی: رطوبت جزء نا گسستنی عوامل موثر در شرایط اقلیمی است که در حیاط مرکزی نقش عمده ای بازی می کند .

۹-۳ -گیاه و فضای سبز

یکی از عناصر تشکیل دهنده فضاهای حیاط های مرکزی، فضای سبز است. حضور فضای سبز و گیاه در حیاط مرکزی بسیار مهم است. گیاهان در تنظیم شرایط محیطی اقلیم گرم و خشک نقش مهمی ایفا می نماید زارع و همکاران، (۱۳۹۱ ، ۴۹-۶۰). درختان از طریق افزودن رطوبت به هوا و کاهش درجه حرارت در اثر جذب تابش و کاهش انعکاس گرما توسط زمین، آسایش حرارتی حیاط مرکزی را بهبود می بخشد (توسلی.۱۱۸،۱۳۸۱). در تصویر (۵) حیاط های سمت راست فاقد هر گونه پوشش گیاهی، حیاط های میانی دارای پوشش گیاهی در راستای شمالی - جنوبی و حیاط های سمت چپ دارای پوشش گیاهی در مرکز حیاط هستند، با بررسی شکل مشخص می شود که قرار گیری درختان در مرکز حیاط بهترین شرایط آسایش حرارتی را ایجاد می کند، البته باید توجه داشت مناطقی که سایه جداره و درخت را هم زمان دارند در آسایش حرارتی بیشتری هستند.

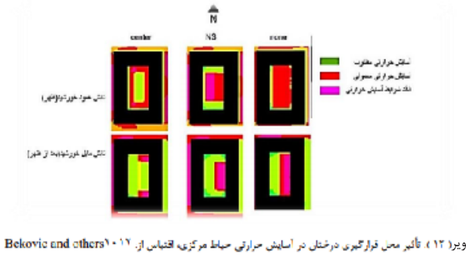

تصویر(۱۲) تأثیر محل قرارگیری درختان در آسایش حرارتی حیاط مرکزی، اقتباس از: Bekovic and others ۲۰۱۲

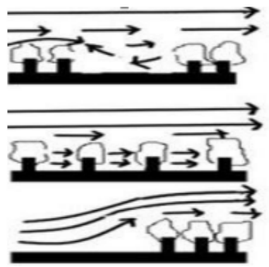

تصویر(۱۳): تأثیر محل قرارگیری درختان در جریان هوای حیاط مرکزی

۹-۴ - رطوبت و حضور آب در حیاط مرکزی

رطوبت جزء ناگسستنی عوامل مؤثر در شرایط اقلیمی است که در حیاط مرکزی نقش عمده ای بازی می کند .«رطوبت به میزان آبی که به شکل گاز در جو وجود دارد، یا به بخار آب موجود در جو گفته می شود. معمولا در حیاط های مرکزی، گودال باغچه هایی با انواع گل ها و درختان، و همچنین حوض یا استخرهای کم عمقی نیز وجود دارد که علاوه بر زیبایی با سایه اندازی و افزایش رطوبت نسبی، به شرایط مساعد حیاط مرکزی کمک کرده و خود از عناصر اصلی سیستم سرمایش طبیعی در این نوع خانه ها به شمار می آید» (*Bonin*،۱۹۸۰). آب هم عنصری است که در حیاط های مرکزی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. ظرفیت حرارتی و گرمای ویژه آب نسبت به سایر اجسام در روی کره زمین بیشتر است. به همین واسطه آب قابلیت ذخیره حرارت بیشتری نسبت به معدل ذخیره حرارت اجسام در روی کره زمین را دا رد. به همین دلیل است که وجود آب در اقلیم منطقه ۲ می تواند باعث اعتدال درجه حرارت در طی شبانه روز شود، در داخل ساختمان و یا خانه های مسکونی به عنوان یک اقلیم کوچک۲ می تواند نوسان درجه حرارت را کاهش دهد. یکی از دلایل عمده وجود حوض آب و درخت در حیاط اغلب خانه های مسکونی حاشیه کویری این است که به رطوبت هوا اضافه شود و هوای داخل بنا معتدل تر گردد» (زارع و همکاران(۱۳۹۱، ۵۵). رطوبت از عوامل تأثیر گذار در پروژه هستند ولی در این مقاله تنها به آنها اشاره شده ولی نیاز به فعالیت تخصصی دارد و در این مقاله به آنها نمی‌پردازیم.

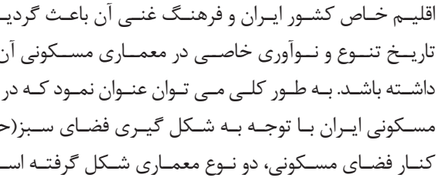

تصویر(۱۱) سیر تولدسیون هوای سرد و گرم در حیاط مرکزی

۱۰ - حیاط در معماری

حیاط فضایی درمعماری است که دارای دو کاربرد زیراست:

صحن و زمین جلوی ساختمان که اطراف آن محصور باشد. آن قسمت از عرصه که در اشتغال ساختمان نباشد و معمولا محصور ،گلکاری و درختکاری میشود. حیاط در بناهای قدیمی مرکز و قلب ساختمان بوده است. حیاط مرکزی همراه با ایوان در هر سمت،ویژگی ای بود که از گذشته های دور در معماری ایرانی به چشم می آمد. همچنین حیاط محلی برای تجمع است و معمولا چهار گوش است. ابعاد حیات را تعداد و عملکرد فضاهای اطراف آن تعیین می کنند. هر حیاط معمولا یک حوض و چند باغچه دارد که بسته به شرایط مختلف محلی نظیر آب و هوا و عوامل فرهنگی اشکال متفاوتی می یابد.

۱۰-۱ - ویژگیهای تأثیر گذار در شکل گیری حیاط مرکزی

اقلیم خاص کشور ایران و فرهنگ غنی آن باعث گردیده طی تاریخ تنوع و نوآوری خاصی در معماری مسکونی آن وجود داشته باشد. به طور کلی می توان عنوان نمود که در معماری مسکونی ایران با توجه به شکل گیری فضای سبز(حیاط) در کنار فضای مسکونی، دو نوع معماری شکل گرفته است.

۱ - معماری درون گرا (که مورد توجه بحث است و به شکل گیری حیاط مرکزی پرداخته شده است).

۲ - معماری برون گرا (که در این مجال به آن پرداخته نخواهد شد و حیاط و فضای سیز در دور تا دور فضای مسکونی شکل گرفته است) .«در معماری درون گرا فضاهای داخلی با فضاهای شهری بیرون هیچ ارتباط بصری خاصی نداشته و اصولا هیچ بازشویی رو به کوچه یا گذر در این نوع معماری مشاهده نمی گردد و یا اگر هم بازشویی دیده شده در ارتفاع بالا شکل گرفته تا دید مستقیم را از بین ببرد»(*Dailman et al*، ۱۹۸۷). عوامل موثر بر شکل گیری این تنوع معماری شامل موارد ذیل است:

۱۰ -اقلیم

اقلیم از مهمترین عوامل تأثیر گذار در شکل گیری حیاط مرکزی در شهرها و معماری سنتی ـ بومی ایران در اقلیم گرم و خشک است. در این اقلیم به واسطه حضور هوای گرم و خشک، تابش آفتاب و شرایط اقلیمی خاص، شهرها واجد ساختاری فشرده و متراکم است.«این فشردگی، از نفوذ تشعشات خورشیدی جلوگیری می کند. دیوارها و سقفها معمولا ضخیم در نظر گرفته شده اند تا فضای داخلی را از گرمای بیرون محافظت کند. ساختار شهری به گونه ای طراحی شده است که شریان ها در جهت باد مطلوب، باز و در جهت باد نا مطلوب و طوفان شن، بسته باشند» (زارع و همکاران، ۱۳۹۱، ۵۳).

۱۰-۱ -جهت گیری ساختمان

یکی از تأثیر گذارترین مسائل در بهبود شرایط در این اقلیم، جهت گیری ساختمان نسبت به شمال و جنوب بوده که مستقیما بر جهت گیری حیاط های مرکزی تأثیر گذار بودند،«هدف اصلی در انتخاب جهت ساختمان در اقلیم گرم و خشک به حداقل رساندن شدت تابش خورشید در تابستان، کاهش دمای روزانه در فضای داخلی ساختمان و به حداکثر رساندن شدت آفتاب در زمستان است، از این رو جهت شمالی ـ جنوبی ترجیح داده می شود»(Givon 1976،).

۱۰-۲ - فرم حیاط مرکزی

فرم و جهت گیری(رون)، اولین اصل برای ساخت کلان شهرها و تک بناهای اقلیمی گرم و خشک است که باید مورد توجه قرار گیرد. (لشکری و همکاران ، ۱۳۹۰، ۶۸)، فرم حیاط نیز به عنوان بخشی از بنا دارای اهمیت فراوانی در بر قراری شرایط آسایش حرارتی است زیرا جهت گیری حیاط

میـزان اشـعه خورشـید دریافتـی و میـزان وزش بـاد را معیـن مـی کنـد (سـفلایی) در تصویـر(۶)، تاثیـر فـرم هـای مختلـف حیـاط مرکـزی در بهبـود شـرایط آسـایش بررسـی شـده اسـت، آزمایـش هـا نشـان مـی دهـد کـه نواحـی قـرار گرفتـه در سـایه نسـبت بـه نواحـی فاقـد سـایه دارای شـرایط مطلـوب تـری از نظـر آسـایش حرارتـی هسـتند. (۲۰۱۲ ,*Berkovic and others*)

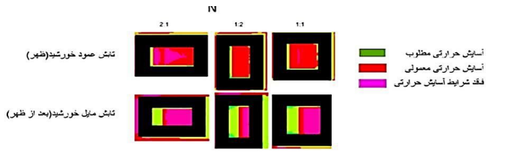

تصویر (۱۵) : تأثیر فرم در آسایش حرارتی حیاط مرکزی.
اقتباس از: (*Berkovic and others* ,۲۰۱۲) .

بـر اسـاس (تصویـر ۶) مطلوبتریـن جهـت گیـری در ایـن اقلیـم، جهـت گیـری در راسـتای شـمالی-جنوبی مـی باشـد. زیـرا در گـرم تریـن سـاعات بیشـترین مقـدار سـایه وجـود دارد. البتـه بایـد بـه ایـن نکتـه توجـه داشـت کـه چنانچـه آسـایش حرارتـی فضاهـای داخلـی در فصـل زمسـتان مـد نظـر باشـد، نیـاز بـه گسـتردگی جبهـه جنوبـی اسـت از ایـن رو کشـیدگی بنـا بـه در راسـتای شـرقی- غربـی مطلـوب تـر اسـت امـا بـا توجـه بـه اینکـه بیشـتر در فصـل تابسـتان از حیـاط مرکـزی اسـتفاده مـی شـود و در اقلیـم گـرم و خشـک برقـراری آسـایش حرارتـی در تابسـتان پـر اهمیـت مـی باشـد. ایـن بررسـی در فصـل تابسـتان بـرای حیـاط مرکـزی صـورت گرفتـه اسـت .

۱۰-۳ - تعامل حیاط مرکزی با انرژی خورشیدی

خانـه ایرانـی بـا بهـره گیـری از فـرم بنـا شـده بـر مسـتطیل، اولیـن تأکیـد را بـر قابلیتهـای هندسـی خـود متذکـر مـی شـود و بـر همیـن اسـاس بـا فیلتـری نیمـه بـاز بـه نـام حیـاط مرکـزی فضـای خانـه را بـه دو بخـش تابسـتان نشـین (جنـوب غربـی)و زمسـتان نشین(شـمال شـرقی) تقسـیم مـی کنـد. فضاهـای اطـراف حیـاط در ایـن سـاختمان هـا بنـا بـر فصـل معیـن سـال مـورد اسـتفاده قـرار مـی گیرنـد. نحـوه انجـام ایـن کار بدیـن طریـق اسـت کـه در سـمت شـمالی حیـاط کـه آفتـاب مایـل زمسـتان بـه آن مـی تابـد قسـمت زمسـتان نشـین پنـاه و از گرمـای بیشـتری برخـوردار اسـت مـی باشـد و اغلـب فعالیـت هـای روزمـره اهـل خانـه در ایـن سـمت سـاختمان انجـام مـی شـود. در تابسـتان عکـس ایـن عمـل صـورت مـی گیـرد و اتـاق هـای سـمت جنـوب حیـاط کـه در سـایه قـرار دارنـد و خنـک تـر هسـتند، محـل سـکونت افـراد خانـواده مـی باشـد. ایـن قسـمت را نسـار(سـایه گیـر و خنـک)گوینـد و غالبـا سـرداب در زیـر ایـن قسـمت مـی باشـد. در فصـول گـرم دمـای سـرداب بـه علـت اینکـه در زیـر زمیـن اسـت از دمـای سـایر قسـمت‌ها کمتـر مـی باشـد (قبادیـان،۱۳۸۴) .

۱۱ - عواملـی همچـون رعایـت جهـت سـازی، رنـگ مصالح، پوشـش گنبـدی و ...مـی تواننـد زمینـه سـاز خوبـی جهـت ایجـاد آسـایش در ایـن خانـه هـا باشـند. ایـن خانـه هـا در طـول روزهـا بـدون اسـتفاده از وسـایل روشـنایی همیشـه روشـنند. امـا نکتـه ای که بیـش از همه در فصـل تابسـتان نظرهـا را بـه خـود جلـب مـی کنـد خنـک بـودن ایـن خانه‌هـا در ایـن فصـل گـرم اسـت (فـرخ یـار، ۱۳۹۰).

هـای سـمت جنـوب حیـاط کـه در سـایه قـرار دارنـد و خنـک تـر هسـتند، محـل سـکونت افـراد خانـواده مـی باشـد. ایـن قسـمت را نسـار)سـایه گیـر و خنـک(گوینـد. بدیـن ترتیـب ،مـی تـوان دریافـت کـه در معمـاری سـنتّی ایران فـرم مطلوب بـه وسـیله عنصـری بـه نـام حیـاط مرکـزی ایجـاد شـده کـه باعـث تعریـف خاصّیّـت سـایه انـدازی مـی شـود. میـزان سـایه انـدازی بـه تناسـبات سـه بعـد حیـاط و زاویـهٔ چرخـش بنـا بسـتگی دارد. در حقیقـت معمـاری سـنّتّ ی ایـران بـا ایجـاد فرمـی متناسـب، معـرف رفتـاری خـاص بـرای هـر جبهـه از سـاختمان بـوده اسـت (سـهیلی فـرد و همـکاران ،۱۳۹۲).

۱۰-۴ - ویژگی های اقلیمی حیاط مرکزی کاشان

بـه طـور کلـی تطبیـق شـیوه هـای زندگـی بـا شـرایط اقلیمـی از خصوصیـات بسـیار مهـم نواحـی اقلیـم گـرم و خشـک از جملـه شـهر کاشـان اسـت کـه عملکـرد فضاهـا را تحـت تأثیـر خـود قـرار مـی دهنـد .بـه عنـوان مثـال خانـه هـای درونگـرای موسـوم بـه چهـار فصـل نمونـه بـارزی اسـت کـه مـی تـوان عملکـرد فضاهـای آن را تحـت تأثیـر اقلیـم منطقـه و مصالح کاربـردی آن دانسـت. اتـاق های اطـراف حیـاط در ایـن سـاختمان هـا بنـا بـر فصـل معیـن سـال مـورد اسـتفاده قـرار مـی گرفتنـد. نحـوه انجـام ایـن کار بدیـن طریق اسـت کـه در سـمت شـمالی حیـاط کـه آفتـاب مایـل زمسـتان بـه آن مـی تابـد قسـمت (زمسـتان نشـین)پناه و از گرمـای بیشـتری برخـوردار اسـت مـی باشـد و اغلـب فعالیـت هـای روزمـره اهـل خانه در ایـن سـمت سـاختمان انجـام مـی شـود. در تابسـتان عکـس ایـن عمـل صـورت مـی گیـرد و اتـاق هـای سـمت جنـوب حیـاط کـه در سـایه قـرار دارنـد و خنـک تـر هسـتند، محـل سـکونت افـراد خانـواده مـی باشـد. ایـن قسـمت را نسار(سـایه گیـر و خنـک)گوینـد و غالبـا سـرداب در زیـر ایـن قسـمت مـی باشـد. در فصـول گـرم دمـای سـرداب بـه علـت اینکـه در زیـر زمیـن اسـت از دمـای سـایر قسـمت‌ها کمتـر مـی باشـد (قبادیـان،۱۳۸۴) .

جدول(۲) بررسی نمونه ها از لحاظ دوره ،سایه اندازی، سطح اشغال و مساحت حیاط مرکزی، وجود و عدم وجود فضای سبز و حوض

ردیف	مسجد	دوره	پلان همکف	پلان طبقه تحتانی	حوض	پوشش گیاهی	مقطع	سایه اندازی	حیاط	مساحت حیاط مرکزی	مساحت کل	سطح اشغال
۱	حبیب موسی	قاجار- صفویه			دارد	ندارد				۱۴۶.۱۶	۴۷۰.۰۲	۶۸.۹
۲	وزیرکاشان	صفویه			ندارد	ندارد	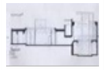			۱۰۷.۷۸	۷۵۱.۸۸	۸۵.۶۶
۳	کفش دوزها	قاجار		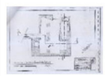	ندارد	ندارد				۱۶۰.۴۱	۵۲۴.۲۹	۶۹.۴
۴	مسجدآقا	پهلوی			دارد	دارد				۸۷۱.۱۲	۲۸۸۶.۴	۶۹.۸۲
۵	تبریزی ها	قاجار			دارد	دارد				۲۴۸.۱۰	۸۱۱.۷۶	۶۹.۴۳
۶	میرعماد	سلطان جهانشاه	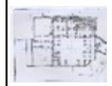		دارد	ندارد				۳۸۶.۴۱	۲۵۶۰	۸۴.۹
۷	پیرچراغ	قاجار			ندارد	ندارد			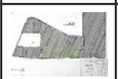	۲۳۰.۹۴	۶۷۳.۷۷۸ ۸	۷۰.۳۴

جمع بندی

بـا توجـه بـه شـرایط آب و هوایـی شـهر کاشـان، معمـاری بناهـای ایـن شـهر از نـوع معمـاری مناطـق گـرم و خشـک مـی باشـد. هـدف در طراحـی بناهـا در شهرکاشـان، اسـتفاده بهینـه از شـرایط اقلیمـی و محیطـی بـوده اسـت. در بناهای شـهر کاشـان همسـازی اقلیـم بـا معمـاری مشـهود مـی باشـد. بـه طـور کلـی مـی تـوان ویژگـی هـای طراحـی مسـاجد شـهر کاشـان را بـه صـورت زیـر بیـان نمـود:

- تمامـی مسـاجد حیـاط و یـا حیـاط مرکـزی دارنـد و از نظـام فضایـی واحـدی پیـروی مـی کننـد.

حیـاط در همـه ایـن بناهـا مرکزیـت دارد و هماننـد قلـب بنـا عمـل مـی کننـد؛- سـه گـروه فضایـی کامـلا مشـخص و متمایـز در تمامـی بناهـا حضـور دارد: -۱گـروه فضاهـای بسـته، -۲ گـروه فضاهـای سـر پوشـیده (نیمه بسـته، نیمـه بـاز) ،-۳ گـروه فضاهای بـاز؛ و همـه فضاهـای بسـته، بـه طـور غیرمسـتقیم و بـه طـور عمـده از طریـق فضاهـای سـر پوشـیده بـا حیـاط مرتبـط هسـتند.

- حیـاط هـا از نظـر احسـاس فضایـی هماننـد یـک اتـاق سـرباز عمـل مـی کننـد.

- ترکیب سه گروه فضاهای باز، بسته و پوشیده به نحوی است که یکدیگر را تعریف می کنند. در این میان، فضاهای پوشیده نقش فضاهای گذر را در ادامه فضاهای باز و بسته برعهده می گیرند.

- در هرسمت حیاط؛ ترکیب لایه های افقی و عمودی فضا؛ همچون شبکه ای درهم تنیده انواع فضاها را با ابعاد و ارتفاع های گوناگون برای انواع فعالیتها فراهم می آورد.

به طورکلی احکام و قواعدی که برای تغییر در شرایط محیطی در طراحی مساجد شهرکاشان رعایت شده است به صورت زیر می باشد:

- رعایت سلسله مراتب فضایی.

- ارتباط تنگاتنگ بین درون و حیاط و انفصال بین درون و برون بنا.

- نسبت سطح به توده کم شده است تا از اتلاف حرارت در زمستان و از بروز گرما در تابستان به داخل جلوگیری شود.

- داشتن عناصری برای خنک کردن، حیاط مرکزی از فضاهای اصلی، حوض آب و پوشش گیاهی.

- چند لایه ای بودن نماهای اصلی و فضاهایی با تخلخل حائز اهمیت در خارجی ترین سطح.

- مصالح با نقش عایق، تعدیل کننده نوسانات حرارتی، مقاوم کننده بنا در مقابل گرما و اشعه سوزان خورشید.

- تمام منافذ و بازشوها به داخل حیاط باز می شوند.

- دیوارها قطور هستند.

- ارتفاع گرفتن سطح طبقه همکف نسبت به کف حیاط به دلایل اقلیمی.

- قرارگیری حوض در وسط حیاط و باغچه ها در اطراف آن (اهمیت گیاه و آب(، ایجاد زیرزمین.

- مناسبترین جهت گیری حیاط مرکزی در این اقلیم، کشیدگی در راستای شمالی - جنوبی.

- رعایت نسبت دو برابر عرض حیاط مرکزی به ارتفاع جداره ها.

- قرارگیری درختان در امتداد جداره ها.

مناسب ترین شرایط تعدیل در یک حیاط مرکزی واقع در اقلیم گرم و خشک به دست می آید. بر اساس بررسی های اقلیمی و آمارهای صورت گرفته عمده ترین مشکل در این اقلیم دمای زیاد هوا در طول روز، اختلاف دمای زیاد بین شب و روز، عدم وجود رطوبت، تابش زیاد آفتاب و کمبود وجود سایه و وجود فراوان بادهای نامطلوب است، که در معماری سنتی کاشان در جهت مقابله با هر یک از این عوامل راهکارهایی اندیشیده شده است که به مرور زمان نیز کامل تر شده اند. نتایج حاکی از آن است که در معماری سنتی کاشان با توجه به نوع اقلیم و نیازهای منطقه، تمهیداتی در جهت آسایش افراد در این بنا ها در نظر گرفته شده که همگی در جهت حفظ انرژی، هماهنگی با محیط و اقلیم، کاهش استفاده از منابع و برآوردن نیازها می باشد. در نتیجه بررسی برخی از اشکال سنتی ایجاد شده در گذشته به خصوص معماری سنتی به عنوان منبعی غنی، راهکارهای قابل توجهی را در طراحی اقلیمی ساختمان های امروزی در اختیار ما قرار می دهد .

فهرست منابع

منابع فارسی

- توسلی، محمود (۱۳۸۱): ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران، تهران، پیام پیوند نو. سهیلی فرد و همکاران، ۱۳۹۲

- زارع لیلا ، تقی زاده محمد، حریری شراره، (۱۳۹۱) : رابطه طبیعت و حیاط مرکزی(با نگاه به معماری مسکن ایرانی- کاشان) ، هویت شهر، شماره ۱۴،تهران، ص ۶۰-۴۹.

- سفلایی ، فرزانه ،(۱۳۸۹) معماری همساز با اقلیم، تهران . مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری .(اقلیم ،معماری، تهویه مطبوع ،تهران، یزدا ۱۳۹۰) .

- سلطاندوست، محمدرضا ،(۱۳۹۰): اقلیم، معماری، تهویه مطبوع، تهران، دانشگاه شهید بهشتی .

- طاهباز، منصوره، شهربانو، اصول طراحی معماری همساز با اقلیم درایران با رویکرد به معماری مسجد، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران ،۱۳۹۰.

- فرخ یار، ح . ویژگیهای معماری خانه های قدیمی دربافت های تاریخی گرم وخشک چاپ اول، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی،۱۳۹۰.

- قبادیان ،وحید، (۱۳۸۴)، « بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران»،چاپ سوم، دانشگاه تهران، تهران.

- کسمائی، مرتضی.(۱۳۸۲): اقلیم و معماری ،اصفهان، نشر خاک .

- گرجی مهلبانی، یوسف و یاران، علی و پروردی نژاد، سمیرا و اسکندری، منیژه(۱۳۹۰): ارزیابی معماری همساز با اقلیم در خانه های کاشان ،آرمان شهر، شماره ۷۰، تهران. ص۲۳،۳۵).

- لشکری، الهام و خلج، مهرشاد (۱۳۹۰،): اصول پایداری شهری در اقلیم گرم و خشک ایران با تاکید بر شهر های کهن، تهران، گنج هنر .

- لطفی زاده دهکردی، خدابخشیان کنارکی، (۱۳۹۲): بررسی آسایش حرارتی حیاط مرکزی در اقلیم گرم و خشک، اولین همایش ملی جغرافیا ، شهرسازی و توسعه پایدار- تهران.

- لاجوردی علیرضا، بررسی تأثیر اقلیم بر شکل گیری مساجد مناطق گرم و خشک ،دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری-دانشگاه پیام نور مرکز تهران ،۸۱، شماره چهلم .

منابع لاتین

-Berkovic Sigalit, Abraham Yezioro, Arieh Bitan, (2012); "Study of thermal comfort in courtyards in a hot arid climate", Solar Energy, 86, 1173_1186 .

-Bonine, M.E, (1980), "Dsert housing" , (Ed:Golany, E), New York.

-Deilmann, Harald etal, (1987)." Living in cities" , Karlkramerverlag,Stuttgard.- Heidegger, Martin,(1962), "Being and Time(1972) ",New York.

-Givon.B،(1976),"Man, Climate and Architecture",Applied science publisher ،Itd، Amsterdam ،Second edition.

-Lamb,H,H,(1977), "Climat Present, Pas and Future" ,Climatic history and the future, Methuen & Co Ltd, London, P.6.

-Trewateha,G. T., (1968), "An introduction to climate" ,megraw Hill BK Co. New York, P.9,25,65,120

-Watson, D., Labs, K(2009). Climatic Building Design: Energy-Efficient Building Principles and Practices, (Ghobadian, v., faizi,M., trans.), Tehran: Tehran university press.

-اداره هواشناسی کاشان

-اداره میراث فرهنگی کاشان

فهرست سایت های رایانه ای

-http://archline.ir[visited on 10.15.2008]

-http://www.en/wikipedia.org [visited on 10.15.2006]

-https://irandoc.ac.ir [visited on 1387]

-https://ganj.irandoc.ac.ir [visited on 1387]

معرفی رویکرد

تجربه در آموزش؛ نظریه جان دیویی

فریماه فاطمی

دانشجوی دکتری پژوهش هنر دانشگاه الزهرا(س)

F.fatemi@alzahra.ac.ir

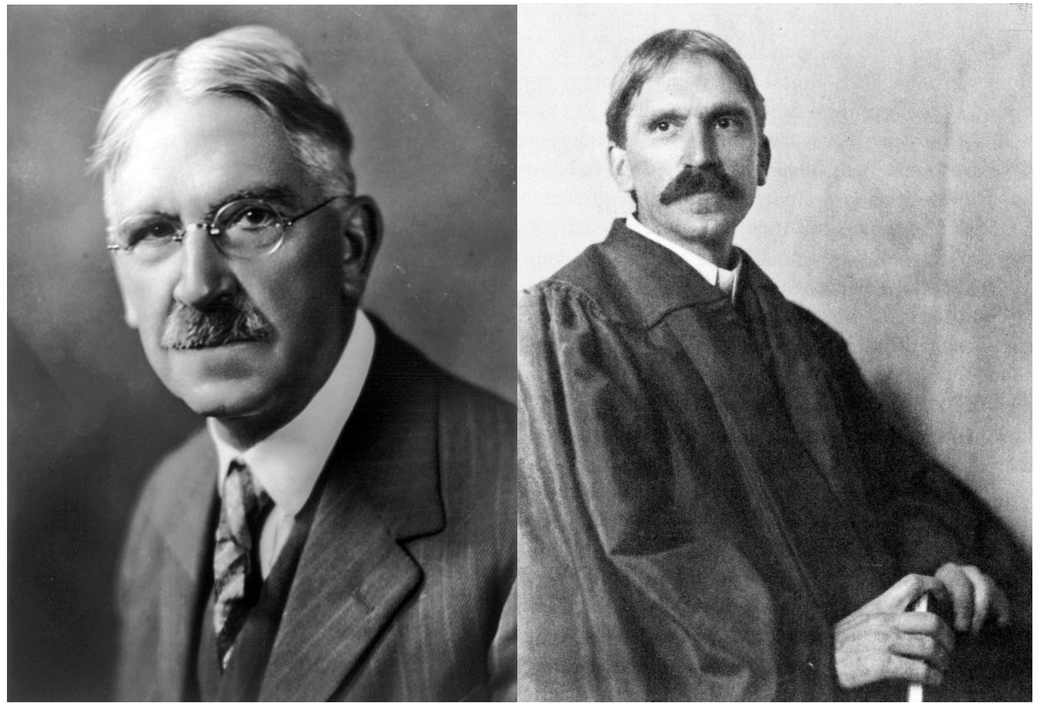

جـــان دیویـــی[1] (۱۹۵۲-۱۸۵۹)، تاثیرگذارترین فیلســـوف و متفکر آمریکایی قرن بیســـتم اســـت که مســـیر جدیدی را بـــرای تفکر و فرآیندهای آموزشـــی ارائـــه کـــرد *(Sikandar,2015 : 191)*. جان دیویی از فیلســـوفانی اســـت که در زمینه آمـــوزش نظریاتی را مطرح کرده اســـت و از پیشـــروان مکتب فکری آمریکایـــی کارکردگرایی در زمینه آموزش می باشـــد کـــه آرای انقلابی وی در باب سرشـــت فلســـفه، آموزش، جامعه و سیاســـت بحث های فراوانـــی را به وجود آورد. در دانشـــگاه جانز هاپکینز، دیویی تحت تعلیم دو متفکر و نظریه پـــرداز بزرگ بود کـــه تاثیری دائمـــی بر تفکر وی گذاشـــتند. جوج سیلوســـتر موریس، یک فیلســـوف هگلی که در آلمـــان تعلیم دیده بـــود، که دیویـــی را با مدل ارگانیـــک ویژگی های طبیعـــی ایده آل گرایـــی آلمانی آشـــنا کرد. جی. اســـتنلی هال، یکـــی از مهم ترین روانشناســـان تجربی آمریکایی در آن زمان بود، کـــه دیویی را با قدرت روش شناســـی علمی در کاربرد در حوزه های علوم انســـانی آشنا کرد. این دیدگاه هـــا تفکر اولیه دیویـــی و نیز پایه های ایـــده های وی را در تمامی دوره کاری فلسفی وی شـــکل داد. یکی از موارد مطرح شده توســـط وی، نظریه تجربه اســـت که از روش های موثـــر در آموزش شـــناخته می شـــود. در نظریات دیگری نیز تجربه از موارد بنیادینی در امـــر دانش مـــورد توجه قرار گرفته اســـت. کار جـــان دیویی در تعلیـــم و تربیت تجربه گرایی در ســـال ۱۸۹۶ در زمان کارآموزی آن در دانشگاه شـــیکاگو آغاز کرد که در آن جا مدرســـه آزمایشگاه دانشگاه را را که بعدها به "مدرســـه دیویی" شـــهرت یافت تاســـیس کرد. این مدرســـه راهی برای تحربه در تفکر آموزســـی بود. دیویی در مدرســـه خود جماعتـــی را در نظر می گرفـــت که در آن دانـــش آموزان خود فعال ترین اعضای آن بودند. دیویی می خواســـت که مدرســـه مکانی باشـــد که در آن تعلیم و تربیت بر مبنای اصـــول فعالیت های ذهنی و فرآیندهای رشـــد باشد.

تئوری‌های آموزشـــی دیویـــی در کتابهای«عقاید آموزشـــی من» ۱۸۹۷، «مدرســـه و جامعـــه» ۱۹۰۰، «کودک و برنامه آموزشـــی» ۱۹۰۲، «دموکراســـی و آموزش» ۱۹۱۶، «تجربـــه و آموزش» ۱۹۳۸، معرفی شده اســـت. دیویی پیوســـته نشـــان می‌دهد که آموزش و یادگیری فـــرایندهای اجتماعی هستند و در نتیجه مدرسه خود یک مؤسســـه اجتماعی اســـت که در آن اصلاح اجتماعی می‌تواند و باید شـــکل بگیرد. به عـــلاوه، او باور داشـــت که دانش آمـــوزان در یک محیط آموزشـــی کـــه به آن‌ها اجـــازه تجربه و رابطـــه متقابل با برنامه درســـی را می‌دهـــد می‌بالند و همـــه دانش آمـــوزان باید امکان دخالـــت و همکاری در یادگیری خود را داشـــته باشـــند.

مـــا از تولـــد تا مـــرگ در دنیایی از انســـان ها و اشـــیا زندگی می کنیـــم که وجود آن تا حـــد زیادی حاصل فعالیت های انجام شـــده و انتقـــال یافته انســـان های قبلی اســـت. وقتی کـــه این حقیقت نادیـــده گرفته شـــود، تجربه به عنـــوان موضوعی تلقی می شـــود که صرفا در درون جســـم و ذهـــن افراد صورت می گیـــرد. لازم به تذکر نیســـت که تجربـــه در خلا به وقوع نمـــی پیوندند و در محیط اطراف فـــرد منابعی وجـــود دارد که باعث پدید آمـــدن تجربه می گردنـــد و مرتبا آن را تغذیه می کنند(دیویی، ۱۳۷۰: ۴۲). در فلســـفه آموزش دیویـــی، پیوند نزدیکی بین زندگی یک کـــودک و تجربیات او را بـــه عنوان یک فرآیند مـــداوم می بینیم کـــه او آن را به عنوان هـــدف آموزش و پـــرورش در نظر می گیرد؛ به ایـــن ترتیب آموزش و پـــرورش دامنه تجهیز کودک با صلاحیت اجتماعـــی دارد. به غیر از این روش آموزش و پرورش بی فایده اســـت. دیویـــی ارتباط متقابل بیـــن تعامل و تداوم تجـــارب را می بیند. از طریق تعامل اســـت که یـــک کودک تجربیـــات را از جامعه بـــه ارمغان مـــی آورد. از طریق چنیـــن تعاملات مداوم، محیـــط ها ایجاد می شـــوند. این محیط ها زمینه هایی هســـتند که در آن شـــرایط با نیازها و اهداف شـــخصی ارتباط برقرار مـــی کند و تجربیات طولانی مدتـــی را ایجاد می کند. یک تجربه برای او شـــامل یـــک فرآیند دوگانـــه درک و تاثیرگذاری بر جهـــان اطراف ما می شـــود و همچنین تحت تاثیـــر و تغییر آن تجربه می شـــود. بـــا توجه به دیویـــی، تجربه به طور مـــداوم اتفاق مـــی افتد زیرا تعامل موجودات زنده و شـــرایط محیطـــی در فرآیند زندگی درگیر اســـت *(Sikandar, 2015: 193-194)*.

دیویی برخلاف فلســـفه های قبلـــی که احســـاس را نادیده می گرفتند، تلاش کرد احســـاس را در فلســـفه خویش بازسازی کند و آن را بـــه عنـــوان مایه اصلـــی تجربه حیات و عامـــل ارتباط و مشـــارکت موجود بـــا محیط قلمداد کنـــد. دیویی بـــر این باور بود که احســـاس جـــواز ورود به جهان اســـت و بدون احســـاس روح و آمچـــه امـــر روحانـــی و ایـــده آل نامیده می شـــود قابل دستیابی و شـــناخت نیستند. احساســـات ارگان هایی هستند که از طریـــق آنها مخلوق زنده مســـتقیما در جریـــان جهان قرار می گیرد. از طریق این مشـــارکت و در درون تجربه احساســـی اوست که جنبـــه های حیرت انگیز، شـــکوهمند و گوناگـــون این جهان بر او واقعیت مـــی یابند(انصاری و همـــکاران، ۱۳۹۳: ۵۲).

1 *John Dewey*

بنابراین تجربه هـــای گوناگون فارغ از این که به لحاظ موضوعاتشـــان تا چه حد با هم فرق داشـــته باشـــند پـــاره ای الگوهای مشـــترک دارند و شـــرایط لازمی هســـت که بدون آنها تجربه ممکن نیســـت. خطوط اصلی شـــکل کلی مشـــترک را این واقعیت رقـــم می زند که هر تجربـــه ای حاصل تعامل بین موجودی زنـــده و جنبه ای از جوانب جهانی اســـت که دور از آن به ســـر می برد(دیویی، ۱۳۹۳: ۷۱).

بـــرای ادراک کردن، بیننـــده باید تجربـــه خـــودش را بیافریند و آفرینندگی او باید شـــامل رابطه هایی باشـــد قابل قیـــاس با رابطه هایـــی که پدید آورنـــده اصلی در معـــرض آنها قرار گرفته اســـت. ایـــن دو گونه رابطه به معنای حقیقی کلمه یکســـان نیســـتند. اما مدرکیات مخاطـــب همانند هنرمند، باید به عناصـــر آن کلی که در فرم یـــا صورت، ولی نه در جزئیات هســـت نظم و ترتیب ببخشـــد. همان روند تنظیـــم و ترتیب که خالق اثر آگاهانـــه تجربه اش کرده اســـت. بدون عمل بازآفرینی شـــی به صورت اثری هنـــری ادراک نمی شـــود هنرمند به فراخور علاقه خود به گزینش، ســـاده کردن، روشـــن ســـازی، کوتاه کردن و فشرده ســـازی پرداخته است. بیننده نیز باید به فراخـــور نظرگاه و علاقه اش همین اعمـــال را انجام دهد. در هـــر دو مـــورد نوعی عمل انتـــزاع، یعنی بیرون کشـــیدن آنچه مهم و معنی دار اســـت، اتفاق مـــی افتد. در هر دو مـــورد فراگرفت به معنـــای تحت اللفظی کلمه در کار اســـت- یعنـــی جمع آوردن جزئیـــات و مفرداتی که بـــه طور فیزیکی درون کل تجربه شـــده ای منتشر شـــده اند(دیویی، ۱۳۹۳: ۸۷).

تجربـــه حاصل تعامل انســـان با محیـــط پیرامونش اســـت که به صـــورت چرخـــه ای به طور مداوم و مســـتمر در حرکت اســـت و موجب تغییـــر وضعیت و نهایتا کســـب تجربه می شـــود. دیویی عبارت تجربـــه را از تجربه زیبایی شناســـی متمایز ســـاخت و آن را مترادف بـــا مرحله اولیه تجربه زیبایی شناســـی دانســـت. یک تجربـــه، قابل یـــادآوری، رضایـــت بخش و لذت بخش اســـت که چشـــمان ما را باز مـــی کند و راهـــی را که مـــا درک می کنیم، هموار می ســـازد. همچنیـــن یک امر یکپارچه، جمع و جور شـــده، کامل و تا ســـرحد رشـــد اســـت. بنابراین به نهایت رشد رسیدن، کیفیت متمایـــز کننده و خودکفایـــی، ویژگی منحصـــر به فرد و اصلـــی یک تجربـــه اند. دیویـــی همچنین ادعا مـــی کند که یک تجربه، متشـــکل از وحدت ارگانیکی اجزا وابســـته به هم اســـت. تجربه زیبایی شناســـی از درون یک تجربه رشـــد می یابد و کامل می‌شـــود. بنابراین نیروی ذهنی درگیر در تجربه زیبایی شناســـی روشـــن تر و شـــدید تر از نیروی ذهنـــی درگیـــر در یک تجربه عادی اســـت. تجربه زیبایی شناســـی تجربه ای اســـت که دارای کیفیت زیباشـــناختی اســـت(انصاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۴-۵۳).

اگـــر تجربه حس کنجـــکاوی را برانگیزد، ابتـــکار را تقویت نماید و میل و قصـــد هایی کاملا قـــوی به وجود آورد کـــه فرد را در آینده بـــه نقاط مـــرده و بی توجه بکشـــاند، تـــداوم به طریق بســـیار متفاوتـــی عمل کرده اســـت. هر تجربـــه ای یک نیروی محـــرک اســـت و ارزش آن را می توان بر اســـاس جهت و نتیجه کار مورد قضاوت قـــرار داد (دیویی، ۱۳۷۰: ۴۰).

وقتـــی بعد از وقوع تجربـــه ای آن را در ذهـــن خویش مرور می کنیـــم ممکن اســـت دریابیم که یـــک خاصه، و نـــه خاصه ای دیگر، آن قـــدر غالب بوده که مشـــخصه کل آن تجربه اســـت. کاوش ها و نظـــروزی های گیرایی وجود دارند که دانشـــمندان و فیلســـوف آن ها را به منزله تجربه به معنـــای پررنگ و پرمایه لفـــظ به یـــاد خواهند آورد. متفکـــر نمی توانـــد کارش را انجام دهـــد مگر وقتی کـــه تجربه های تـــام و تمامی کـــه ذاتا ارزنده اند او را مســـحور می کننـــد و پاداش او می شـــوند. بدون آن ها هرگـــز نمـــی تواند دریابـــد که به واقـــع درباره چـــه چیز قرار اســـت فکر کنـــد و در تمیز فکـــر واقعی از فکـــر کاذب به کلی ناتوان اســـت. تفکر در قالـــب زنجیره های تصورات یـــا ایده ها جریـــان پیدا مـــی کند اما تصـــورات تنهـــا از آن رو زنجیره ای تشـــکیل می دهند که بســـیار بیـــش تر از آن چیزی هســـتند که روان شناســـی تحلیلی تصور می‌نامد (دیویـــی، ۱۳۹۳: ۶۱).

منابع و مآخذ

- انصاری، مریم؛ نصرآبادی، حســـنعلی؛ لیاقت دار، محمد جواد؛ باقری، خســـرو(۱۳۹۳)، تحلیلی بر نظریه تجربه زیبایی شناسی جان دیویی، پژوهش در برنامه ریزی درسی، ســـال یازدهم، دوره دوم، صص ۶۲-۵۱

- دیویی، جـــان. (۱۳۷۰). **تجربه و آموزش و پرورش**. ترجمه ســـید اکبر میر حســـنی. چاپ اول، تهران: مرکز ترجمه و نشـــر کتاب

- دیویـــی، جـــان. (۱۳۹۳). **هنر به مثابـــه تجربه**. ترجمه مســـعود علیا. چـــاپ اول، تهران: انتشـــارات ققنوس

- *Sikandar, Aliya. (2015) John Dewey and his philosophy of education,* **Journal of Education and Educational Development**, *201-191,(2)2*

آتش و آتشکده در دین زرتشت

مریم فاطمی

کارشناس ارشد عکاسی دانشگاه هنر

amordad2f@yahoo.com

مقدمه

از دین زرتشـــت ۳۷۵۸ [۱] ســـال می گذرد و پیامبر آن آشو[۲] زرتشت، که جزء اولین دینی، که دارای کتابی به نام اوســـتا[۳] ، و زبانشـــان دری اســـت. در میان زرتشـــتیان آتش از اهمیت و ارزش خاصی برخوردار اســـت و آن را منبع ســـازندگی می‌داننـــد. در دین زرتشـــت آتش مقـــدس بوده و از نظر مقام به منزله فرزند اهورا[۴] محســـوب می‌شـــد.

یافتـــن آتش بزرگتریـــن پدیدهٔ زندگی آدمی، و پیشـــرفت تمدن انســـان مدیون آتش اســـت. از اینرو آتش نزد همـــه اقوام و ملل از دورانهـــای دورتاریخی مقدس بوده اســـت. به ویـــژه نزد اقوام هنـــد و اروپایی[۵] که در منطقه‌ای با زمســـتانهای ســـرد زندگی می‌کردند، نخســـتین آشـــنایی ملت‌هـــای مختلف بـــا آتش به صورت‌های گونـــاگون بوده و به همین جـــهت اسطوره‌های بســـیار در پیدایش آتـــش به وجود آمده اســـت. برخـــی آنرا به شـــکل آذرخش در آســـمان دیده‌اند و آتش را عطیه‌ای آســـمانی پنداشـــته‌اند، برخی دیگر آن را به شـــکل توده ســـوزان سنگهای آســـمانی دیده‌اند که از آســـمان فرو افتاده و جنگلـــی را به آتش کشـــیده اســـت. برخی دیگر آن را در آتشفشـــانها و گازهای شعله ور نفتـــی و به صورت آتشـــی کـــه از زمین می‌جوشـــد دیده‌اند.

قوم ایرانـــی نیز گویا نخســـتین بـــار آن را در تـــلاش زندگی یافته و آنچنان اســـت که هوشـــنگ شاه پیشـــدادی روزی که بـــا همراهان خویش به شـــکار می‌رفته اســـت، بر ســـر راه خود ماری دیده و برای کشـــتن آن ســـنگی پرتاب کرده اســـت که به گفته فردوســـی:

نشـــد مار کشته ولیکن ز راز

پدید آمد آتش از آن سنگ باز

نشـد مار کشـــته ولیکن زِ راز

ازین طبعِ سنگ آتش آمد فراز

ایـــن آتش به خار و خاشـــاک اطراف در افتاده و فروزان گشـــته اســـت. در این اســـطورهٔ زیبا دو عامل متضاد زندگـــی ایرانی در برابر هم قـــرار میگیرنـــد. اهریمن مار را که مظهر و هم ریشـــهٔ مرگ اســـت پدید مـــی‌آورد و اورمزد در برابـــر آن و برای مقابله با آن آتـــش را می‌آفریند و بـــه آفریدگان خویش می‌بخشـــد و به ایـــن ترتیب از آغـــاز پیدایش آتـــش مهر تقدیـــس به این

۱ براساس تقویم سالنمای راستی(برابر سال ۱۳۹۹)

۲ زرتشـــتیان پیغمبـــر خـــود را بنـــام اشـــو زرتشـــت می‌خواننـــد. اشـــو *Asho* واژه‌ای است اوستایی کـــه بـــه معنـــی شـــخص راستگو و درست‌کردار و پـــاک و پرهیـــزکار میباشـــد. بنابرایـــن میتوانیـــم اشوزرتشـــت را بـــه زرتشـــت پـــاک و مقـــدس ترجمـــه نمائیـــم.(آذرگشســـب، ۱۳۷۲: ۱).

۳ همان: ۳۳

۴ اهورامـــزدا از دو واژه اهـــورا و مـــزدا ترکیـــب شـــده اســـت. اهـــورا بـــه معنـــی هســـتی بخـــش . مـــزدا بـــه معنـــی بـــزرگ و دانـــا اســـت و معنـــی ترکیبـــی آن میشـــود هســـتی بخـــش بـــزرگ و دانـــا یـــا خداونـــد جهـــان و خـــرد (آذرگشســـب، ۱۳۷۲: ۲).

۵ ۳۷۳۹ ســـال پیـــش گروهـــی از نـــژاد آریایـــی از ســـیبری بـــه خاطـــر ســـرمای زیـــاد مهاجـــرت میکننـــد. عده‌ایـــی بـــه آذربایجـــان آمدنـــد و در ارومیـــه ســـاکن شـــدند و گـــروه دیگـــر آریائیهـــا بـــه هنـــد و اروپـــا رفتنـــد کـــه هندیهـــا زرتشـــتی هســـتند ولـــی آلمانیهـــا نیســـتند و بـــه همیـــن دلیـــل خـــود را نـــژاد برتـــر میداننـــد.

پدیدهٔ اورمزدی زاده میشود و به قول فردوسی هوشنگ شاه سپاس اورمزد می‌دارد:

که او را فروغی چنین هدیه داد

همین آتش آنگاه قبله نهاد

و آن شب آتشی چون کوه بر می‌افروزد و با همراهان در گرداگرد آن به شادی می‌پردازد و نام آن را سده میگذارد.

ز هوشنگ مانده این سده یادگار

بسی باد چون او دگر شهریار

و بدین‌سان در کرانه‌های دور و تاریک تاریخ، سنتی بنیاد میگیرد و تا به امروز در مرز و بوم ایران باقی می‌ماند.

نور و فروغ و روشنایی و اخگر فروزان

آشو زرتشت در برابر نور آتش و اخگر فروزان برای اهورا مزدا چنین می‌سراید:

این نور نمایندهٔ فروغ مینویست که در دل هر کس جای دارد و برای زندگی و آبادانی، او را گرما و نیرو می‌بخشد. آتش دلدادگی و دوستداری که از فروغ بیکران و روشنایی سرشار بارگاه اهورامزدا سرچشمه گرفته و درون دل هر کس نهاده شده است. «ای نمازگزار، نمازت را، نیایشت را با دل پاک و روشن به آرامی و خلوص نیت بخوان و بدان، این روشنایی که قبله‌گاه و پرستش، سوی خود کرده‌ای پرتوی از روشنی جاودان است که خداوند در دل مردمان نهاده است.»

آتش و اجاق خانوادگی در فرهنگ آریایی و پیشینیان، جایگاه بسیار والایی داشته است. در گاتها: خان و مان، «دمان» و در اوستا «نمان و دمان» و در زبان پهلوی به صورت «مان» آمده و «مان» کوچکترین یگان مردمی است. در گذشته به آن ارج بسیار نهاده میشد و روشن نگه داشتن اجاق خانوادگی، جزو آئین‌های بایسته تیره‌ها و اقوام گوناگون، (بویژه آریائیان) بود. در روستاها و نیز در هر یک از بخش‌ها، گنبدهای آتش داشتند. هر قوم و قبیله، نیز آتش خود را داشت و پیشه‌وران نیز هر کدام برای خود آتشی داشتند. به هنگام کوچ و مهاجرت آتش خود را همراه می‌برند، مبادا در غیاب آنان بر اثر فقدان مراقب و یا دشمن بدخواه خاموش شود، و آتش یادگار نیاکان بود پس از چندی برای یگانگی و همبستگی، آتش گنبدهای پیشه‌وران گوناگون را یکی نموده و به جای این که هر صنفی آتشگاهی ویژه داشته باشد همه با هم در مکانی همگانی آتشها را به هم آمیختند، یعنی «پرستش سو» را یکی کردند. آتش در اوستا نمودار فروغ خداست. آتش اشو زرتشت، بیش از همه «مینوی» است.

اگر زرتشتیان رو به سوی نور دارند و آن را پرستش سو می‌دانند، برای نزدیک شدن به اهورامزدا، پروردگار و آفرینندهٔ کل است که خود سرچشمهٔ همه نورها (نورالانوار، شیدان شید) است.

آتشی که در آتشکده‌ها، درمهرها، آدریان‌ها و آتش بهرام‌ها، چه در ایران و چه در هند و پاکستان فروزان است، یادگاری از فرهنگ و تمدن چندین هزارساله است که نیاکان ما، با همه ناملایمات روزگار، آنها را تا به امروز فروزان نگهداشته‌اند، برای نمونه آتشی که در آتش بهرام «اودوادا» در حدود یکصد گیلومتری بمبئی روشن است و ایرانشاه نامیده میشد، همان آتشی است که ایرانیان پس از ساسانیان با خود به هندوستان برده و پس از چند بار جابجایی در «اودوادا» تخت نشین نمودند(ر.ک.ایرانشاه). نگهداری آتش و ایجاد آتشگاه و جایگاه نگهداری آتش یک سنت آریایی است و پیش از اشوزرتشت نیز رایج بوده است. آتشکده‌های تهمورس، فریدون، تور، آذر گشسب و کیخسرو از جمله آتشگده‌های پیش از اشوزرتشت به شمار می‌روند. نور که زائیدهٔ آتش است نزد همه اقوام گرامی است. در بیشتر کتابهای آسمانی، خدا نور محض، نور حقیقی و یا نورالانوار است. انوار مادی و جهانی، نمونه و مظهری از نور حقیقی است. این است که ایرانیان باستان، نور را پرستش سوی خود قرار داده و رو به نور، نیایش اهورامزدا را به جای آوردند، تا به نور حقیقی نزدیکتر شوند. قابل توجه اینکه پرستش سوی(قبله)، نور است نه آتش! و این تجلی نور کل است که دل را گرما و روان را صفا می‌بخشد.

همه پاک‌نهادان و یکتاپرستان دنیا خداوند را نورالانوار می‌دانند(به گواهی کتابهای آسمانی) و زرتشتیان نیز که راه خود را به وسیله نور(چه طبیعی و چه غیر طبیعی) به سوی نورالانوار باز می‌کنند.

خداوند، مکان و منزل ویژه‌ای ندارد و همه جا حاضر و ناظر است و به کار بستن سه اصل بزرگ اندیشه و گفتار و کردار نیک برای آن است که بتوان دل را با نور ایمان گرما و صفا

بخشید و به این ترتیب خدا را در همهٔ احوال با خود دید. از فرقه‌ای مسیحی موسوم به روزی کروشن که با نگاهی عرفانی که جستجوی اسرار طبیعت بودند روایت است که: « یک چراغ کوچک فیتیله‌ای به دست آور، ولی نگذار روغنش تمام شود، آنگاه میتوانی از شعله سوزان این چراغ کوچک هر تعداد چراغ و شمع و آتش بخواهی، در جهان روشن کنی بدون آنکه از شعلهٔ آن بکاهد» با ژرف نگری به همین مختصر رازی از رازهای آفرینش وجود آشکار خواهد شد. اگر در گذشته آتش را در جایگاههای مخصوصی(که اسامی گوناگونی داشتند) نگهداری می‌نمودند به علت فقدان وسایل امروزی (مانند کبریت و برق) بود، و نیز به واسطهٔ نیاز همگانی برای آن نگهبان و پرستار می‌گماردند تا خاموش نشود و مردم محل برای رفع نیاز خود، از آتش محلهٔ خود بهره‌مند می‌شدند. اما نگهداری آتش در معابد صرفا به منظور راه یافتن به نور اصلی بوده است و نه چیز دیگر. به جا آوردن مراسم در برابر نور خدا به آستان حرارت زندگی و جوش و خروش و اراده و پایداری می‌بخشد و دل دینداران و مشتاقان؛ با برخورد به امواجش، سبک و

تصویر ۱: آتشکده صفیه، اصفهان، ۱۳۷۹(منبع: آرشیو شخصی نگارنده)

تصویر ۲: آتشکده صفیه، اصفهان، ۱۳۷۹(منبع: آرشیو شخصی نگارنده)

شاد و خرم می‌گردد و پرتو آن به نسبت ایمان و اخلاص ستایندگان بر دل ایشان می‌تابد و انوار تسلی و امیدواری، کانون دل آنها را روشن می‌گرداند(جهانگیری، ۱۳۷۹: ۱۰-۷).

آتشکده‌های پیش از زرتشت

۱. پیش از ظهور اشو زرتشت ایرانیان آریایی، اعتقادات و ایمان خود را با نور و اخگر، آتش و فروغ آن همواره فروزان می‌داشته اند.

۲. پس از پیرایش آتش، پیرامون آن و به شکرانهٔ «این پدیدهٔ» نورانی که تاریکی‌ها را فروغ می‌بخشید، به سرور و شادی و پایکوبی و دست افشانی می‌پرداختند و منظور اصلی پرستاری، آتش و ایستادن اطراف آتش بوده است.

۳.این سنت کهن آریایی بعد از ظهور زرتشت نیز همچنان نگهداری شد و نور و آتش و آتشکده پرستش سوی زرتشتیان قرار گرفت.

۴. علاوه بر آتشکده‌های پیشداری و گیانی بعد از اشو زرتشت در نقاط مختلف کشور ایران حتی تا چین و پاکستان و هند و اسوان و روم و آسیای صغیر، آتشکده‌های زیادی بر پا شد که هنوز آثار و خرابه‌های برخی از آنها موجود است که پیروان آئین بهی در آنجا به نیایش پرداخته و خداوند یکتا را ستایش می‌نمودند.

بدانگاه بد آتش خوبرنگ

چو قرمازیان را مهراب ننگ

مپندار کا آتش پرستان بدند

پرستندهٔ پاک یزدان بدند.

(فردوسی)

بشـــود نور الهی در دل همـــه پرتو افکن بوده و روشـــنی بخش دودمانها و خان و مان‌ها باشـــد.

زرتشـــتیان بـــرای ایـــن کار جائـــی را بنام‌هـــای «در مهر» یا «آتشـــکده» و «آتش بهرام» یا « آتش ورهرام» یـــا «آدریان» و کردهـــای قدیمی «هرمزگان» را دارند. شـــاید نـــام «خانهٔ خدا» نیـــز همان «هرمزگان» کردی باشـــد که در یـــک چکامهٔ کردی از گذشـــته به جا مانده اســـت(همان: ۱۷-۱۶).

آتش نزد اقوام مختلف

آتـــش یـــا آذر، از روزگاران بســـیار کهـــن، تا به امـــروز توجه همهٔ اقـــوام روی زمیـــن را به خـــود جلب کـــرده و هر قومی به شـــکلی آنرا گرامی مـــی‌دارد. در اینجا کاری بـــه جنبه‌های فیزیکـــی و مادی و صنعتـــی آتش نداریم، زیـــرا دامنهٔ مصرف و کارایی آن زیاد اســـت. فقط یـــک جنبه را که در گذشـــته یک قســـم تلگراف بی‌ســـیم و وســـیلهٔ مخابره بوده نـــام می‌بریم. بنا به عرفان خشـــایار شـــاه، شاهنشاه هخامنشـــی (۴۸۵-۴۶۵ پیش از مســـیح) از شوشـــتر و همـــدان دو پایتخـــت بزرگ، تا به ســـر حد ســـرزمین پهناور ایـــران، برجهای بلنـــد به فاصله ای معین ســـاخته و در شـــب‌ها به وســـیله شـــعله و نور آن و علائـــم مخصوص و معینی که داشـــتند از برجی بـــه برج دیگر، وقایع مهـــم دورترین نقاط کشـــور را به مراکز می‌رســـانیدند و تا چندی پیـــش این تپه‌هـــای مخابره در گوشـــه و کنار خاک پهنـــاور ایـــران دیده میشـــد. مخابـــره خبر فتح آتن بوســـیله ســـپهبد ایران بنـــام ماردنیا در ســـال ۴۷۹ پیـــش از میلاد به اطلاع پادشـــاه وقت ایران در شـــب همان روز، یکی از آنهاســـت.

در شـــاهنامه و یـــادگار زریران نیز آمده اســـت که به واســـطهٔ آتـــش افروزی، در بـــالای کوههای بلند لشـــکریان را بگرد آمدن و آمادهٔ حرکت شـــدن آگاه می‌ســـاختند. در ادیان آریایی مانند زرتشـــتی، برهمنـــی و بودایـــی و هم چنین در مذاهب ســـامی مانند موســـوی، عیســـوی و اســـلام، حتی در نزد بت‌پرستهای آفریقا، آتـــش اهمیت ویـــژه‌ای دارد. ایرانیان باســـتان، آتش را موهبـــت ایـــزدی می‌دانســـتند(یکی از چهار آخشـــیجی [1] که نمی‌بایســـت به پلیدی آلوده شـــود) و شـــعله‌اش را یادآور فروغ رحمانی میخواندند، آتشـــدان فـــروزان را در پرستشـــگاهها به منزلـــه مهراب قـــرار می‌دادند. پیشـــوایان دینـــی ایرانیان و هنـــدوان در اوســـتا و ریـــگ ودا «آتروان» می‌باشـــند که به معنـــی «آذربان و یا پرســـتار آتش» و آن کس اســـت که برای پاســـبانی آتش گمارده میشـــود. در رم باســـتان نیز دوشیزگانی پاکدامـــن و دانـــا از خانوادهٔ شـــریف به نگهبانـــی آتش مقدس در معبد «وســـتا» موظـــف بوده‌اند کـــه به آنها «وســـتایس» می‌گفتـــه انـــد. این نگهبـــان می‌بایســـت سی‌ســـال تمام در کمال پاکدامنی بســـر بـــرد و نگذارد آتش‌مقدس که پیشـــینیان دولت رم تصور می‌شـــده خامـــوش گردد.

زرتشـــتیان نیز بـــرای نگهداری و پاســـبانی آتش، اشـــخاصی را بنام آتشـــبند تعلیـــم داده و بـــه کار می‌گماردنـــد که امروز نام‌خانوادگی برخی از ایشـــان به ســـبب پیشـــهٔ پدری آتشبند اســـت. آتـــش را آذر، آدر، آتر نیـــز می‌نامند.

اهمیت اجاق خانواده و روش نگهداری آن

آریائیـــان به روشـــن نگه داشـــتن اجـــاق (کانـــون) خانواده و طایفـــه اهمیت آن چنـــان می‌دادند . به هنگامـــی که به جنگ می‌رفتند آنـــرا در گردونـــه‌ای همـــراه می‌بردند، زیـــرا بر این بـــاور بودنـــد که آتش و نـــور آن جزئـــی از انوار الهی اســـت و معتقـــد بودند هـــر چیزی که گرمـــی از آن بیـــرون رفت جان ندارد و مرده اســـت. آتش درونی انســـان همان حـــرارت غریزی اســـت که در اوســـتا ، هوفریان نامیده میشـــود. ایرانیان، آتش را که یکـــی از آخشـــیجای چهارگانه بود ماننـــد آب و باد (هوا) و خـــاک گرامی داشـــته و به خاطـــر پاک نگهداشـــتن محیط زندگی و بهداشـــت خـــود، آنها را بـــه پلیدی‌هـــا نمی‌آلودند و نمی‌گذاشـــتند آتـــش در مهـــراب و اجاق‌هـــا خاموش شـــود. خاموشـــی آتش اجاق و مهراب را بدشـــگون می‌دانســـتند و با آتش‌هـــای کهن دیگر آتـــش را از نـــو روشـــن می‌نمودند و با چوبهایـــی مانند صندل محیط را خوشـــبو می‌ســـاختند. زیرا بر این بـــاور بودند، بوی خـــوش چیزهایی مانند کنـــدر، عود، لبان و دیگـــر مواد که در هـــوا پخش و پراکنده می‌شـــود، دل و جان و روان را شـــاداب می‌ســـازد. در گذشته در جشـــنها به ویژه در شـــب، آتش افـــروزی میکردند و آتـــش بـــازی می‌نمودند که امـــروزه گاه بـــا چراغانی نیز تـــوام می‌نمانید.

تکان روح

آتشـــدان یا مجمر و آتشـــی که در میان آن روشـــن می‌شـــود، اشـــاره به این اســـت که انســـان بایـــد دل و قلب خـــود را از لحـــاظ صفا و پاکی، مجمر یا آتشـــدان مهر و محبـــت اهورامزدا قرار دهـــد و آتش ایمان و عرفان را در آن روشـــن ســـازد. این آتـــش باید از اثر اندیشـــه نیک، گفتار نیک و کـــردار نیک دارای شعله‌های روشـــن و درخشان و بی‌دود باشـــد که اطرافیان خود را نور دهد و ســـود رســـاند. بی‌آنکـــه آزاد دهد. ایـــن آتش باید از دود و تیرگـــی گناه و عصیـــان منزه گردد تا فـــروغ آن همه را خشـــنود کند و پســـند درگاه اهورامزدا شـــود. بخـــور و بوی خوش آتشـــدان، کانون تراوش اندیشـــهٔ نیک اســـت که انسان مورد توجـــه قرار می‌دهـــد و در جامعه گرامی می‌ســـازد. آتش خداشناســـی و ایمان، آلودگیهای درونی را می‌ســـوزاند و قلب را که مرکـــز تجلی انوار الهی اســـت پاک می‌ســـازد.

اشاره و یادی از داستان آفرینش و آتش

آتش در اوســـتا آتـــر [1] و در پهلوی آتور [2] و در پارســـی آذر و آدر و در لهجه‌هـــای بومی و محلـــی، آتیش، آویشـــن، ریش و تش آمده اســـت. در سانســـکریت آدری [3] به معنی شـــعله است که به عنـــوان صفت خدای آتش کـــه آگنی نامیده میشـــود نیز به کار رفتـــه اســـت. یافتن آتش یکـــی از حوادث مهم و زندگی بشـــر بـــوده و به ویـــژه در مناطق سردســـیر و با توجه بـــه تاثیر نور آن در تاریکی شـــب. بنابرایـــن به صور گوناگون در اســـطوره‌ها و افســـانه‌های اقوام؛ انعکاس یافته اســـت. زمانی آنرا به شـــکل آذرخش دیده و عطیهٔ آســـمانی پنداشـــته‌اند. زمانـــی دیگر آنرا به شـــکل توده‌های ســـوزان ســـنگهای آســـمانی دیده‌اند که از آســـمان فرود آمد، و نیز از طریق آتشفشـــانها و گازهای شعله‌ور با آن آشـــنا شـــده‌اند. به هرحـــال آتش پدیده‌ای اســـت که از طبیعـــت به‌دســـت می‌آید و آتش به دســـت آمـــده از طبیعت توســـط اقوام باســـتانی در غارها حفظ می‌شد. ایـــن عنصر، از میان عناصـــر چهارگانه (آب- بـــاد و هوا- آتش- خـــاک) از همه لطیف‌تر اســـت. از دیرباز مـــورد توجه اقوام و ملل بـــوده و در غالب ادیـــان آریایی و حتـــی در میان قبایـــل بت‌پرســـت آفریقا دارای اعتبـــار و اهمیت خاص بوده اســـت. ســـده نزد ایرانیان، جشـــن پیدایش آتش اســـت که به هوشـــنگ پیشـــدادی منسوب است. در اســـاطیر ایرانی و برخـــی روایات، پیدایـــش و آفرینش آتش به پیدایش روئیدنیها وابســـته اســـت. این رابطهٔ نزدیک بین آتش و نبات، در تصور اقوام هند و اروپایی، ناشـــی از آن اســـت که ایشـــان نیز ماننـــد خیلی از اقوام دیگر اطلاع داشـــتند که می‌تـــوان آتش را از ســـائیدن دو قطعه چوب بـــه یکدیگر به دســـت‌آورد. هندیها آتش را ســـپر رب‌النوع آســـمانی میدانند و چنین میپندارند که آتش از آســـمان به زمین آورده شده اســـت. در فرهنگ اوســـتا، «آتش»، پســـر اهورامزدا و ســـپندارمز یا زمین دختر پروردگار معرفی شده اســـت. بدیهی اســـت که اینها تمثیل و تشـــبیه‌اند، نـــه این که خداوند دارای پســـر و دختر باشد.

این عنصـــر یعنی آتش، دوســـت، برادر و نزدیکترین خویشـــاوند بشـــر اســـت. موجودات پلید را میراند و حیوانات درنده را شبانگاه از حمله بـــه ماوای مردمـــان باز مـــی‌دارد. به موجب اســـاطیر آتـــش به عنوان پیک، میان بشـــر و آفریدگار مورد عنایت بســـیار بوده اســـت. از ایـــن رو در ایران آن را مظهر ربانیت و شـــعله‌اش را یادآور فـــروغ خداوندی میخوانده‌اند و برای شـــعلهٔ مقدســـی که با چوب و عطر در آتشـــکده‌ها همیشـــه فروزان نگاه می‌داشـــتند احتـــرام خاصی قائل بودنـــد. یکی از دلایل احتـــرام و تقدیس این بوده کـــه آن را مانند آب موجـــد و موله زندگی می‌دانســـتند و معتقـــد بودند که وجود همه چیز به نوعی بدان وابســـته اســـت. چکیـــدهٔ و جوهر آتش در اوســـتا موســـوم به فر یا خُره اســـت و آن فـــروغ دارای شـــکوه و بزرگی ویژه‌ای اســـت که از ســـوی اهورامزدا به پیامبر بخشـــیده می‌شـــود.

به موجب برخی نوشـــته‌های اســـطوره مانند، در عهد باستان معتقد بودند در پایـــان جهان همهٔ آدمیان باید از میـــان رودی گداخته که آتش روان اســـت بگذرنـــد و نیکان به آســـودگی از آن می‌گذرند و پـــاداش یابند. «ورگـــرم» نوعـــی آزمایش بر بی‌گناهـــی بوده که بـــا مایعـــات داغ و یا عبور از میان آتش توصیف شـــده اســـت. در شـــاهنامه آمده، ســـیاوش به هنگام آزمایش ایزدی با ســـرافرازی از میـــان کوه آتش گذشـــت. در دیگر ملل نیز آزمونهای مشـــابهی داریم. در گذشـــته بعضی آریائیـــان و اکنون هنـــدوان جنازه‌ها را می‌ســـوزانند که شـــاید دلیلش همین باشـــد. مســـلما برای این عمل انگیـــزه‌ای فراتر از دلایل بهداشـــتی نیز دارند. دلبســـتگی و اعتقـــاد و احترام خاص ایرانیـــان به آتش موجب شـــده که برخی به غلـــط چنین بپندارند که آتش نزد ایشـــان جنبـــهٔ الوهیت دارد و لـــذا ایرانیان را آتش‌پرســـت بی‌انگارند. در جهان مادی پاســـبانی آتش بر امشاســـپند اردیبهشـــت ســـپرده شده اســـت. آذر هیئت دیگری از آتش اســـت.

---

۱ چهار عنصر آب.خاک.هوا.آتش

1 Atar
2 Atour
3 adri

آوای ملکوتی آتش

آفرین ایزد بلند پایه را برای واپسین بار، نیایش می کنند این چنین:

درود و ســـتایش به تو، ای آتش اهورامزدا، می‌ســـتاییم این روشـــنی پـــاک و درخشـــان را، اینک که به ما آشـــکاری تـــوان و نیرویمان بخش تا بهترین اندیشـــه و گفتار و کردار را داشـــته باشـــیم. یادمان ده که با بدی و زشـــتی و دروغ پیکار کنیـــم. روان را پالوده گردان از بدی و راه بی‌فرجام تا شایســـتهٔ پرســـتش اهورامزدای بزرگ باشیم.

نیایش کننده وقتی که چنین شنید گوید:

درود بر تـــو ای نماینده فروغ اهورامزدا، تـــوان و نیرویمان بخش تا بهترین اندیشـــه و گفتار و کردار را داشـــته باشـــیم، یاریمان ده کـــه با بدی و زشـــتی و دروغ پیکار کنیم، روان مـــا را پالوده گردان از بدی و راه بی‌فرجام، تا شایســـتهٔ پرســـتش اهورامزدای بـــزرگ باشـــیم. ایدون بـــاد. (اینجا نیـــز همهٔ توجـــه به جنبهٔ معنوی آتش اســـت نه جنبـــه ظاهری آن).

ایرانیان عقیده داشـــتند که خدا دیده نمی‌شـــود، خـــدا را نور کل دانســـته و هنگام پرســـتش پروردگار، رو به ســـوی نور مینمودند تا به نور کل دســـت یابنـــد . در ایران و حتی خـــارج از مرزهای کنونی ایران بقایای آتشـــکده‌هایی دیده میشـــود کـــه حکایت از گســـتردگی آتشـــکده‌ها و درجهٔ اعتقاد مردم به آنهـــا دارد. اصولا نـــور را از مظاهر پاک اهورایی می‌دانســـتند و عقیده داشـــتند که خـــدا را همه جا میتـــوان یافت و پرســـتش نمود و بـــرای خدا جایگاه ویژه‌ای قائل نبودند(آذرگشســـب، ۱۳۷۹).

نتیجه گیری

آتـــش در دین زرتشـــت از اهمیـــت خاصی برخوردار اســـت؛ جایگاه مقدســـی دارد و آلـــوده کردن آن مجاز نیســـت. از زمان پیدایـــش آتش تا کنـــون، آتـــش را در جایگاهی خـــاص قرار میدادنـــد و رو به نور عبـــادت میکردند، ولی به اشـــتباه در بین عوام زرتشـــتیان را آتش پرســـت میدانـــند، در صورتیکه به آتش احتـــرام میگذارند و آن را منبـــع نور و ســـازندگی میدانند. در اکثر مراســـمها از آتش اســـتفاده میکنند. برای مثال در شـــب یلدا- جشـــن ســـده- ۵روز مانده بـــه عید نـــوروز و... . به دلیل احترامـــی که به آتـــش میگذارند، هیچـــگاه از روی آن نمی‌پرند، بلکه به دور آن جمع میشـــوند و عود، کندر و ســـپند و ... جهت بوی خـــوش و ضدعفونـــی کننده هوا اســـتفاده میکنند.

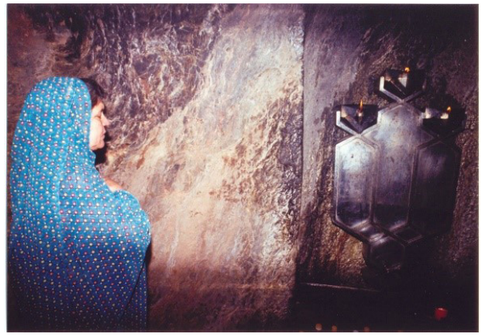

تصویر۳ : زیارتگاه پیرسبز، یزد، ۱۳۸۰(منبع: آرشیو شخصی نگارنده)

تصویر۴ : جشن سده، تهران، ۱۳۷۹(منبع: آرشیو شخصی نگارنده)

فهرست منابع

۱- تقویم سالنمای راستی زرتشتیان(۱۳۹۹)

۲- آذرگشســـب، اردشـــیر(۱۳۷۲) مراســـم مذهبـــی و آداب زرتشـــتیان، تهـــران: ســـازمان انتشـــارات فروهر

۳- فره‌وشـــی، بهـــرام(۱۳۶۴) جهـــان فـــروری، تهـــران: ســـازمان چـــاپ خواجه

۴- اوشـــیدری، جهانگیـــر(۱۳۷۹) نور، اتش، آتشـــکده در آئین زرتشـــت، تهران: سعدی

موریس اشر

سارا سادات نوری

دانشجوی دکتری پژوهش هنر دانشکده هنر دانشگاه الزهرا(س)

S.nouri@alzahra.ac.ir

تصویر۱: *(url1)*

موریتس کورنلیس اشـــر[1] در ۱۷ ژوئن ۱۸۹۸ در شـــهر لیووارددن مرکـــز ایالت فریســـلند واقـــع در شـــمال هلند به دنیـــا آمد. قســـمت اعظم ســـالهای نوجوانی خود را در شـــهر آرنهم گذراند و در همان شـــهر دوران دبیرســـتان را طی کرد. از همان دوران تحصیـــل واضح می نمود که بـــه طراحی علاقه داشـــت و معلم طراحی و نقاشـــی دبیرســـتان به نام وان درهاگن اشـــر نوجوان را تشـــویق می کرد و بـــه او آموخت چگونـــه گراورهایی پدید آورد. گراورهایی که بیشـــتر آنها به شـــکل برشـــهایی از لینولئوم بود(بهـــرام بیگی، ۱۳۶۳ :۷).

از ۱۹۱۹-۱۹۲۲ اشـــر در مدرســـه معماری و هنرهـــای تزئینی در مـــورد مطالعه هارلـــم؛ هلند، جایی کـــه او علاقه بـــه گرافیک و عمدتا کار حکاکـــی روی چوب را زیر نظر معلم خود، جه ســـورون دومســـکوئیتا بـــه فراگرفتن رموز خلـــق آثار هنری بـــا بهره وری از وســـایل گرافیک پرداخت. وی چندین ســـال را به مســـافرت و طراحی در سراســـر اروپا گذراند و از ســـال ۱۹۲۲ تا ۱۹۳۵ در ایتالیا زندگی کرد و ســـپس به ســـوئیس و بلژیک نقل مکان کرد. اشـــر در چـــاپ ها و نقاشـــی های خـــود در این دوره، مناظر و اشـــکال طبیعـــی را به طرز خـــارق العاده ای بـــا اســـتفاده از دیدگاه های متناقـــض و متعدد به تصویر کشـــید(تصویر۳و۴)(*url2*).

1 Maurits Cornelis Escher

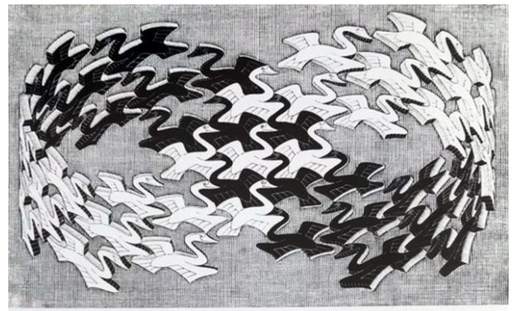

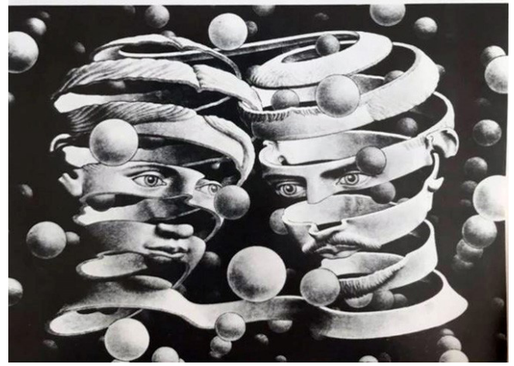

تصویر۲: بهرام بیگی، ۱۳۶۳: ۱۴۹

در بخش نخستین آثار اشر که جملگی قبل از سال ۱۹۳۷ به وجود آمده، بیان و نمایش واقعیت قابل رویت و ملموس، تسلط دارد از جمله مناظر و چشم اندازهای مناظر و چشم اندازهای ایتالیاست و شیوه های معماری شهرهای بزرگ و کوچک آن سرزمین(بهرام بیگی، ۱۳۶۳ :۸).

در طول سالهای قبل از ۱۹۳۷، اشر فقط نسبت به نشان دادن و ترسیم انچه در دنیای پیرامون خویش میدید توجه نداشت بلکه در برخی گراورهایش، ابداعات ذهن و تخیل خود را نیز نشان می داد(تصویر۵)(بهرام بیگی، ۱۳۶۳ :۹).

شهرت اشر بیشتر به دلیل خلق تصاویر ذهنی و معماگونه از صعود، نزول و زاویه دید نامتعارف می باشد(تصویر۶).

در طول زندگی خود، اشر ۴۴۸ سنگ نگاره، منبت کاری و حکاکی چوبی و بیش از ۲۰۰۰ نقاشی و طرح ساخت. درست مانند برخی از پیشینیان معروف وی - میکل آنژ ، لئوناردو

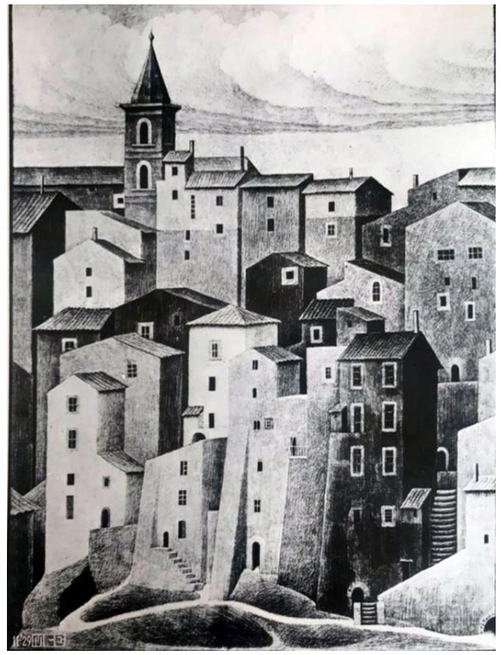

تصویر ۳: بهرام بیگی، ۱۳۶۳: ۲۳

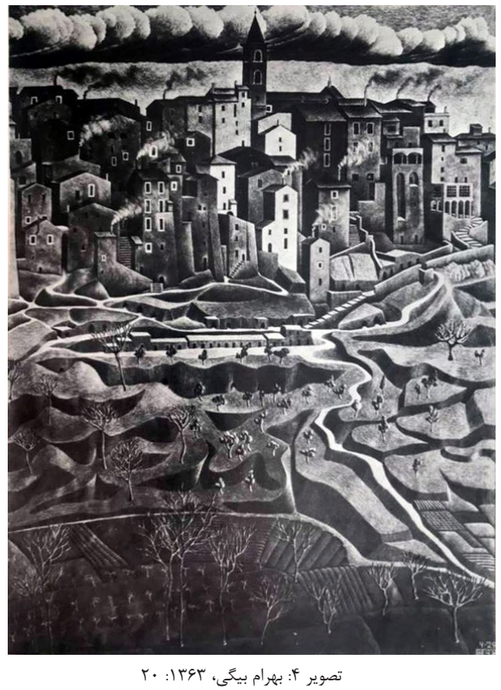

تصویر ۴: بهرام بیگی، ۱۳۶۳: ۲۰

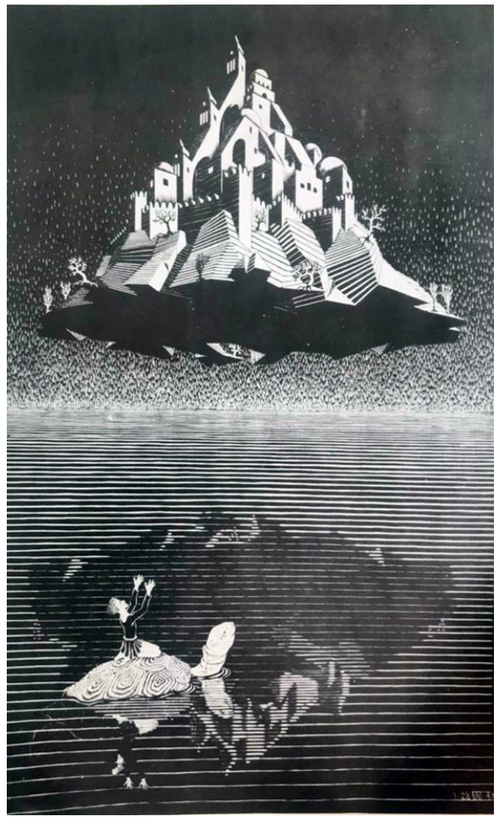

تصویر۵: بهرام بیگی، ۱۳۶۳: ۱۵

داوینچی ، دورر و هولباین - اشر چپ دست است.
وی علاوه بر کار خود به عنوان یک هنرمند گرافیست، به تصویرگری کتاب، طراحی فرش و اسکناس، تمبر، نقاشی دیواری، تابلوهای داخلی و غیره پرداخته است(*url1*).

کپیه برداری از روی کاشی کاری ها و موزاییکهای دوره اسلامی در مجموعه بناهای الحمراء و در لامزکیتا که در طول تابستان سال ۱۹۳۶ به عمل آمده است، در برانگیختن مجدد علاقه وی به بهره گیری از امکان استفاده مضاعف از خطوط کناره نما موثر افتاده است(تصویر ۷)(بهرام بیگی، ۱۳۶۳ :۱۳).

در طول سالهای حضور در سوئیس و در طول جنگ جهانی دوم، او با انرژی زیادی به طراحی می پردازد. وی سپس

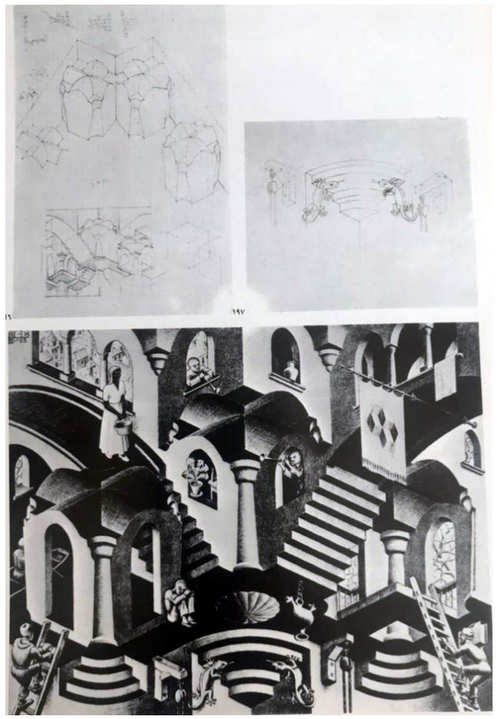

تصویر۶: بهرام بیگی، ۱۳۶۳: ۱۳۹

۶۲ مورد از ۱۳۷ نقاشی متقارنی را که در زندگی خود خواهد ساخت، انجام می دهد.

او با معماری ، چشم انداز و فضاهای غیرممکن بازی می کند. هنر وی همچنان میلیون ها انسان را در سراسر جهان متحیر و متعجب میکند. در کار او مشاهده عالی او از جهان پیرامون و بیان تخیل قوی را تشخیص می دهیم. به ما نشان می دهد که واقعیت فوق العاده، قابل درک و جذاب است (*url1*).

سبک خاص اشر پس از سال ۱۹۳۷ در مجموعه ای از چاپها که رئالیسم دقیق و توهمات نوری و معمایی را ترکیب می کرد، ظهور کرد. کار در چاپ سنگی و حکاکی روی چوب، او با مهارت فنی فضاهای معماری غیر ممکن و غیر منتظره به تصویر کشید. اشر معمولاً از شبکه های هندسی برای تشکیل طرح های پیچیده بهم پیوسته استفاده می کرد. وی همچنین مزوتینت را کشف کرد، یک تکنیک سختگیرانه و دقیق شامل

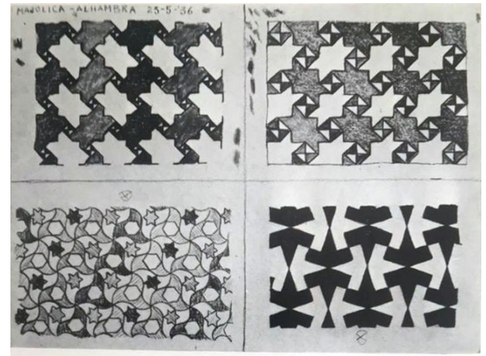

تصویر۷: بهرام بیگی، ۱۳۶۳: ۵۷

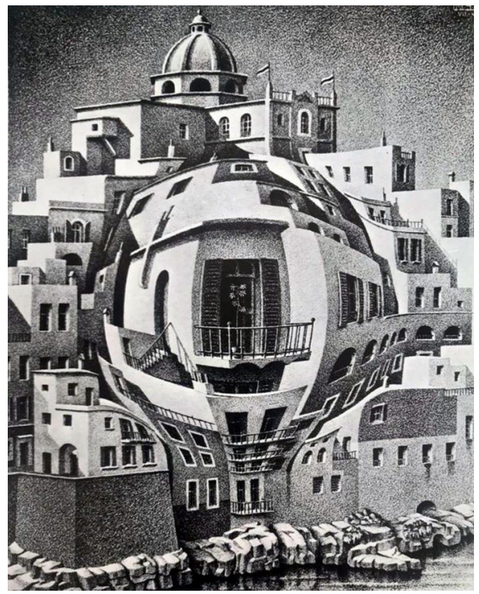

تصویر۸: بهرام بیگی، ۱۳۶۳: ۹۱

تصویر۹: بهرام بیگی، ۱۳۶۳: ۱۶۱

حکاکـــی روی فلز، که بـــا آن برخی از کارهای معـــروف خود را به رنگ ســـیاه و ســـفید انجام داد(تصویر ۹ و ۱۱)(*url2*).

منابع:

بهرام بیگـــی، علی اصغر(مترجـــم) (۱۳۶۳)، سرگذشـــت و آثار اشـــر، چاپ اول، تهـــران: کارگاه هنر.

URL1: https://mcescher.com/about/biography/, SATURDAY, 21:20 p.m.

URL2: https://www.britannica.com/biography/M-C-Escher, SATURDAY, 20:05 p.m.

تصویر۱۰: بهرام بیگی، ۱۳۶۳: ۱۴۶

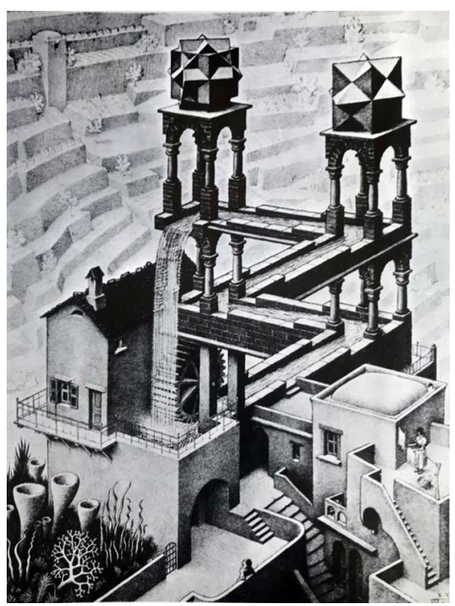

تصویر۱۱: بهرام بیگی، ۱۳۶۳: ۱۸۱

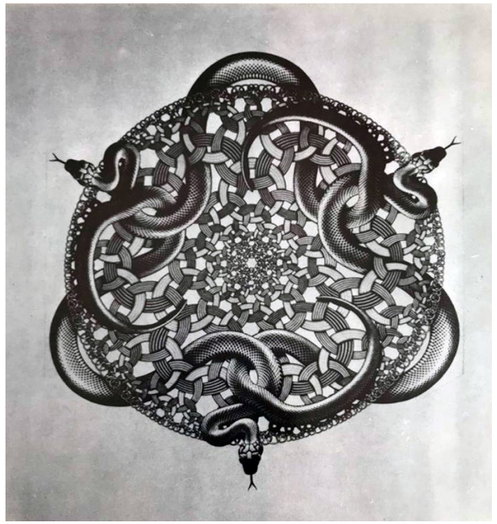

تصویر۱۲: بهرام بیگی، ۱۳۶۳: ۱۹۱

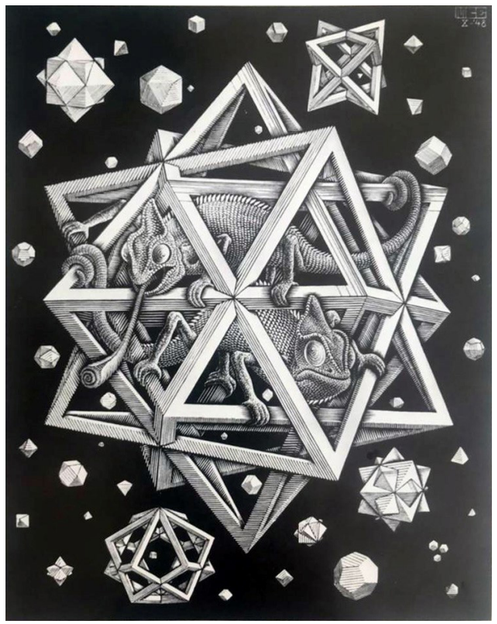

تصویر۱۰: بهرام بیگی، ۱۳۶۳: ۱۴۶

معرفی مجموعه کتاب بچه محل نقاشها: انتشارات هوپا

عارفه سامی
دانشجوی کارشناسی رشته گرافیک دانشگاه الزهرا(س)
arefehsamy79@gmail.com

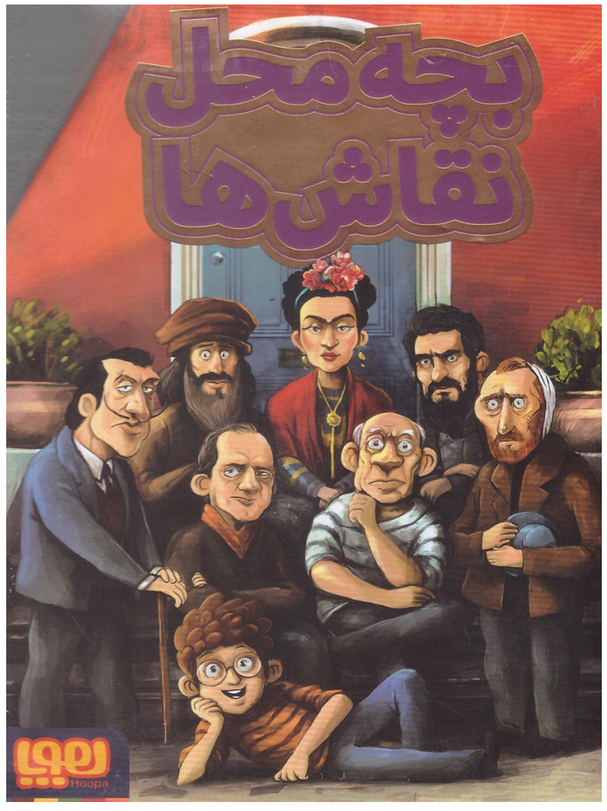

انتشـــارات هوپا در ســـال ۱۳۹۸ هجری شمســـی و ۲۰۱۷ میلادی مجموعـــه کتاب هایـــی را با عنوان بچـــه محل نقاش هـــا به قلم محمدرضـــا مرزوقی و تصویرگری مجتبی حیدرپناه منتشـــر کرد که داســـتان هایی راجب به نقاشـــان معروف جهان و روزگار آنها اســـت. این مجموعـــه رمان در هفت جلد که مناســـب برای گروه ســـنی ۱۱ تا ۱۵ ســـال می باشـــد، با قطع رقعی به چاپ رســـیده اســـت.

درباره نویسنده

محمدرضا مرزوقی متولد ۱۳۵۵اســـت و اهل آبادان می باشـــد. تحصیل کرده در دانشـــگاه هنر و معماری رشـــته تئاتر اســـت. عاتکه نام اولین کتاب اوســـت که در ســـال ۱۳۸۰ در نشـــر روشـــنگران به چاپ رســـید. رمان دیگرش به نام تُل عاشـــقون با همکاری نشـــر افق و رمان های پســـین شـــوم و بـــارداری بی هنگام آقـــای میم با همکاری نشـــر روشـــنگران منتشـــر شـــدند. مرزوقی علاوه بر داســـتان‌هایش درباره نقاشی، بـــرای آشـــنایی کـــودکان و نوجوانـــان با محیط زیســـت هم داســـتان هایی نوشـــته که برخی از آن ها را به نشـــر امیرکبیر منتشـــر کرده اســـت. فیلمنامه نویسی و فیلمســـازی مستند هم از فعالیت‌هـــای محمدرضا مرزوقی اســـت.

معرفی مجموعه کتاب

مشـــخصات کلی: نویســـنده این مجموعه ســـالها دربـــاره این موضـــوع تحقیق کرده وتمـــام ریز و جزییات زندگـــی هنرمندان را مـــی داند و با اســـتفاده این دانش، داســـتانی قابـــل فهم برای کودکان و نوجوانان نوشـــته تا فهم این داســـتان برای آن دســـته از کودکانـــی که بـــه این موضوعات علاقه مند هســـتند بیشـــتر شـــود و هم اینکه خلأ همچیـــن کتابهایی را پر کنـــد. وکودکان را بـــا جذابیت به ســـمت دانش هنر بکشـــاند. ایـــن کتاب علاوه بر گروه ســـنی « د » برای بزرگســـالان هم جذابیت فراوانی دارد.

دایی ســـامان در بعضـــی از جلد های این مجموعه در حســـاس تریـــن لحظه هـــای زندگی نقـــاش ها بـــا آنها همراه اســـت. مثلاً در زمان نقاشـــی کردن ســـقف کلیسای سیســـتین در کنار میکل آنژ و زمان کشـــیدن مونالیـــزا در کنار داوینچی اســـت. ســـبک نوشـــتن این مجموعه داســـتان ها رئال-فانتزی است.

عنـــوان های ایـــن کتابها بر اســـاس بارزتریـــن ویژگی زندگی هنرمندان اســـت، ماننـــد زمانی که همســـفر ونگـــوگ بودم، هنرمندی که بیشـــتر عمر کوتاه خودش را در ســـفر بوده اســـت یا زمانـــی که همخانه داوینچـــی بودم، هنرمندی که ســـالها در خانه خود در فلورانس مشـــغول نقاشـــی و آموزش به شاگردانی بود که زیردســـتش مشـــغول یادگیـــری هنر بودند.

روند این داســـتان هـــا به گفته خود ایشـــان بر اســـاس علاقه آن هنرمنـــدان به آن شـــیوه و ســـبک خاص بوده اســـت. مثلا: علاقه بـــه نامه نـــگاری ونگوگ باعث شـــد دایی ســـامان هم ایـــن داســـتان را با نامه نگاری شـــرح دهـــد و همینطور علاقه به خودنمایـــی و جلوی دوربیـــن رفتن ســـالوادوردالی هم روند داســـتان را به صورت مســـتند بیان کرده اســـت.

در این ۷ جلد با ۷ نقاش بزرگ آشـــنا می شـــویم اما داســـتان ها با هم پیوســـتگی دارند. نویسنده سعی داشـــته از طریق داستانی هیجان انگیز نوجوانان را با اطلاعاتی که بدســـت آورده آشـــنا کنـــد. در این داســـتان ها ۴ کودک فامیل با نام های مانی، پریســـا، محســـن و مینا به طور تصادفی با خاطرات دایی ســـامان آشـــنا می شـــوند.

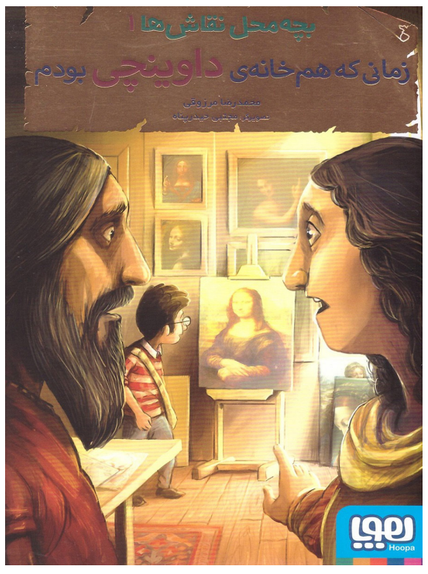

در اولین جلـــد این مجموعـــه کودکان بـــا لئوناردو داوینچی آشـــنا می شـــوند: ســـامی یا دایی ســـامان در زمان ســـفر کـــرده و به دیـــدار داوینچی رفته کـــه در آن موقع در حال کشـــیدن تابلو مونالیزا بوده اســـت. نویســـنده از رمز و راز هـــای این تابلـــو معروف پـــرده بر می دارد و حتی ســـبک نقاشـــی داوینچی را با ونگوگ نیز مقایســـه می کنـــد. از آن رو

که داوینچی تنها یک نقاش نبود و مخترع بزرگی نیز بوده، در این کتاب با برخی اختراعات وی نیز آشنا می شویم. اختراعاتی نظیر لباس غواصی یا بال هایی برای پرواز انسان.

بچه‌های فامیل لا به لای وسایل «دایی سامان» به دست نوشته هایی دست پیدا می کنند، که اولش مهر خیال باقی به دایی سامان می زنند؛ تا اینکه با یک سرنخ هایی به راز داوینچی و دایی سامان و سرنوشت «ژکوند» پی می‌برند و...

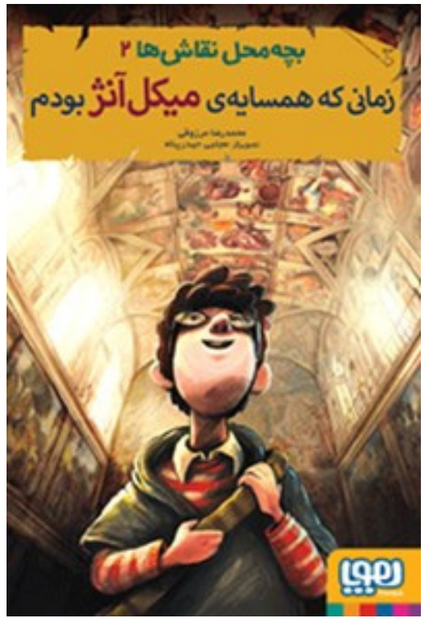

دومین جلد این مجموعه آشنایی با میکل آنژ: دایی سامان توی دفترچه دست نوشته هایش نوشته که: درست وقتی میکل آنژ در حال نقاشی شاهکار خود، یعنی «داستان آفرینش» بر سقف کلیسای «سیستین» است، با او آشنا و بعد همسایه می شود. دایی سامی کلکی سوار می کند و شاگرد میکل آنژ می شود. در این میان سر و کله ی کشیش ها و اسقف هایی پیدا می شود که دائم می خواهند برای سامی و میکل آنژ پاپوش درست کنند و پاپ ژولیوس را بر علیه آن ها بشورانند. مانی و مینا و باقی بچه‌های فامیل با کنجکاوی سفر پر ماجرای دایی را دنبال می‌کنند و دور از چشم مادربزرگ به خاطرات خصوصی برادرش سرک می‌کشند.

نقل قول دایی سامان: میکل‌آنژ همیشه به من می‌گفت آسان‌ترین راه رسیدن به آینده، فکر نکردن به آن است. آن روزها شاید دقیقاً معنای حرف‌های او را نمی‌دانستم، اما حالا که به این سن‌وسال رسیده‌ام و آینده‌ای که انتظارم را می‌کشید، پشت سر نهاده‌ام، می‌دانم حتی فکر کردن به فردا، رسیدن به آن را برایم دشوار می‌کند. شاید فردا روز خوبی باشد، شاید نباشد، اما یک چیز مسلم است: فردا روز دیگری است.

در سومین جلد این مجموعه کودکان با ونسنت ونگوگ آشنا می شوند: این بار مادر بزرگ هم -که خواهر دایی سامان می شود- به جمع بچه ها می پیوندد و بچه ها با اجازه ی خود مادربزرگ، نامه های قدیمی ای را که داداش سامان در جوانی برای او نوشته، برایش بازخوانی می کنند. بچه ها با خواندن این نامه ها، با دایی سامان همراه می شوند تا ببینند در زندگی وینسنت ونگوگ چه خبر بوده و از راز های زندگی ونگوگ پی می برند. از راز خودکشی ونگوگ با بریدن گوشش و...

نقل قول دایی سامان: ولی این مرد راستی‌راستی یک نقاش بود. آن‌طور که داشت استادانه قلم مو را روی بوم می‌کشید، شک نکردم نقاش ماهر و زبردستی هم هست.

فکر کردم یک آدم باید خیلی عشق نقاشی داشته باشد که تو همچین‌هوایی به‌جای قدم زدن کنار رودخانه و دِلی‌دِلی آواز خواندن، مشغول رنگ مالیدن به بوم نقاشی باشد. اما راستی‌راستی هم رنگ‌مالی‌ای می‌کرد! با هر قلم یک قاشق و گاهی حتی یک ملاقه رنگ بود که روی بوم می‌چسبید. (اشاره جالب به سبک خاص ونگوگ) و همچنین دایی سامان به این ماجرا اشاره می کند که از نزدیک نقاشی او مشخص نبود بلکه باید از آن دور می شد تا متوجه اجزای نقاشی ونگوگ میشد.

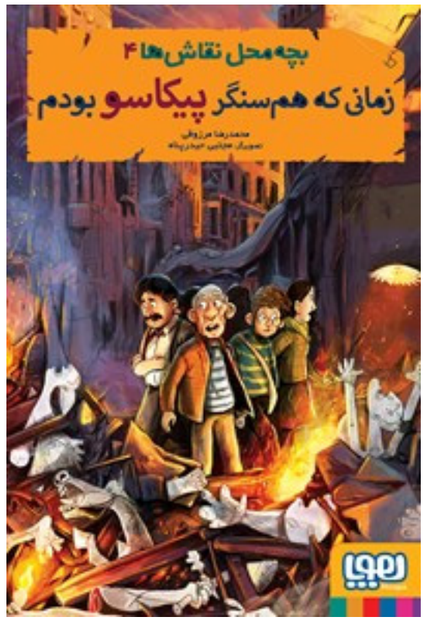

جلد چهارم آشنایی با پیکاسو: بچه ها در این جلد در نامه ها مرموز دایی سامان به نوشته های عجیبی می رسند. « نمی‌دانم امروز به تاریخ خودمان چندم است، اما به تاریخ پیکاسو می‌شود سیصد و بیست و پنج روز بعد از شروع جنگ‌های داخلی اسپانیا، دایی روزها را با چوب خط توی دفترچه‌ای یادداشت کرده است. آیا اصلا همچین چیزی امکان دارد؟ اینکه دایی با نقاش معروفی مثل پیکاسو، هم‌سنگر بوده باشد. اما «دایی سامان» در پی یادداشت‌هایش نوشته که چطور همراه پیکاسو در جنگ شرکت کرده! «مانی» و باقی بچه های فامیل باز هم رفته اند سراغ روزنامه های قدیمی و یادداشت های روزانه دایی سامان. در ادامه ی خاطرات دایی این طور می خوانند: دایی سامان همراه «پیکاسو»، «همینگوی» و چند نفر دیگر به سفری ماجراجویانه می روند و می زنند به دل حادثه و جنگ. تا این که یک اتفاق ناگوار حال همه را می گیرد. ولی پیکاسو می تواند از دل هر ماجرایی یک شاهکار خلق کند. و چقدر جالب ماجرای تابلو گرنیکا را شرح می دهد ...

نقل قولی از دایی سامان: همینگوی رو کرد به پیکاسو و گفت: «می‌بینی پابلو؟ حتی برای گرفتن هتل هم محتاج خبرنگارهایی. اینجا نه «کوبیست» ۲۴ به کارت می‌آد و نه اون دلقکای قرمز و نارنجی، نه اون دوشیزگان آوینیون...» این را با لحنی گفت و دست‌هایش را به‌شکلی در فضا حرکت داد که مارتا اعتراض کرد و کوبید به بازویش: «ارنست! دو تا خانم محترم اینجا هستن.» (:

در پنجمین جلد این مجموعه آشنایی با فریدا رقم می خورد: در این جلد کتاب دایی سامان یک کارتن پر از صفحه ی گرامافن قدیمی -که آن ها را در سفرش فریدا به او داده بود- به بچه ها می دهد. و اولین جمله ای که از این صفحه می شنوند این است که: فریدا همیشه می

گویـــد: «مـــن واقعیت خودمو نقاشـــی می کنم امـــا این احمق ها فکـــر می کنن کارهای من خیالیه.» و ســـپس دایی ســـامان صفحـــه ای به بچه ها مـــی دهد که صدای خـــودش را روی آن ها ضبط کرده بود. با شـــنیدن صـــدای نوجوانی دایی ســـامان روی صفحه هـــا، بچه ها به ماجرای ســـفر دایی بـــه مکزیک و رفتنش به خانـــه ی فریدا پـــی می برند.

نقل قول دایی ســـامان: محســـن که تبلتش توی دســـتش بود و داشـــت ســـرچ می‌کرد، بلافاصله گفت: «اینجا تـــوی ویکی‌پدیا نوشـــته فریدا یکی از مهم‌ترین نقاشـــان و هنرمنـــدان زن، توی دنیاســـت! بعدش هم نوشـــته که خیلی دیر شـــناخته شـــده.» دایی دوباره غر زد: «درســـته که فریدا شـــهرت پیکاســـو و دالی رو نداشـــت، اما وقتی یه ســـفر بـــه اروپا دعوت شـــد، همه رو با تابلوهای خـــودش شـــگفت‌زده کرد. کلی تشـــویقش کردن. فقط مشـــکل این بود کـــه فریدا لجبـــاز و یه‌دنده بود. واســـه همین هـــر عنوانی رو که بـــه خودش و کارهاش مـــی‌دادن، رد می‌کـــرد.... اون‌قدر کـــه به کارهـــای دیه‌گو اهمیـــت می‌داد، واســـه کارهای خـــودش تره هم خـــرد نمی‌کرد.»

ششـــمین جلد رمـــان هم ســـبیل بودن بـــا دالی: دایی‌ســـامان که تازه از ســـفر اســـپانیا برگشـــته بـــرای بچه‌ها تیشـــرت‌هایی با نقاشـــی چهره‌ی زن و مردی عجیـــب و غریب آورده. بعد از تقســـیم هدایا با هم به تماشـــای بـــازی بین دو تیم مهم فوتبال اســـپانیا، یعنی رئال مادرید و بارســـلونا می‌نشـــینند. هنگام تماشـــای بازی فوتبـــال دایی فاش می‌کند کـــه زمانی در تیم بارســـلونا بازی کرده اســـت. دایـــی به نوه هـــای خواهرش از دوســـتی خود بـــا آدم هـــای معروفی همچون ســـالوادور دالی و فدریکو گارســـیا لـــورکا می گویـــد. او با دیـــدن تعجب بچه هـــا، برای اثبـــات حرفش آن هـــا را به دیدن یـــک فیلم قدیمی دعـــوت می کنـــد. فیلمی عجیـــب و جذاب درباره ی ســـفرهای ماجراجویانه ی ســـامان، ســـالوادور و زنش در زمان، به وسیله ی ســـاعت جیبی دالـــی. از این جا این ســـوال در ذهـــن ما خطور می کند که آیا این ســـاعت همان ســـاعتی اســـت کـــه به دایی ســـامان کمک می کند در زمان ســـفر کند؟ دالـــی در حال بازی با ســـبیل‌های درازش رو بـــه دوربین می‌گویـــد: «تنها تفاوت من با یک دیوانه این اســـت کـــه من دیوانه نیســـتم!» ...

نقل قـــول دایی ســـامان: دالی خندیـــد. گفت: «خبرنـــگاره رو دیـــدی چطور مچلش کـــردم؟» دایـــی گفت: «کـــدوم؟ همون خانومـــه؟» دالی گفت: «اوریانـــا فالاچی. خیلـــی پُرروئه. قبلاً هم برای مصاحبه پیشـــم اومده. فکـــر کرده یه‌تنه بایـــد حامی تموم فقرای دنیا باشـــه. تازه همه‌شـــون هـــم ادا درمـــی‌آرن. به‌نظرم جای این مســـخره‌بازی‌ها بهتر بود مدل نقاشـــی می‌شـــد. پول بیشـــتری هم درمی‌آورد. شـــاید یکی‌دو تا طـــرح ازش می‌زدم.» دایی گفت: «فکر نکنم حاضر باشـــه مدل تابلوهای شـــما بشـــه.» دالی ابرو بالا انداخت و چشـــم‌هایش را گشـــاد کرد: «باید آرزوش رو داشـــته باشـــه.» دایی گفت: «شـــاید فقط مـــدل نقاش‌های فقیر بشـــه که پول ندارن واســـه مدل بدن. مثل ونگوگ. شـــما که مشـــکلی برای ایـــن کار ندارین. تـــازه این‌همـــه آدم پول‌دار مجیزتـــون رو می‌گن که ازشـــون یه طرح بکشـــین.»

و اما هفتمین جلد ایـــن کتاب همبازی بـــا پولاک: بچه ها موقع تمیـــز کردن اتاق دایـــی یک قاب کوچولـــو روی دیوار پیدا می کنند که جکســـون پـــولاک آن را با خط خود نوشـــته:

“I can control the flow of paint. There is no accident.»

دایـــی آن را اینگونه ترجمـــه می کند: «من مـــی توانم جریان رنـــگ را کنترل کنـــم؛ این تصادفـــی نیســـت.» در این جلد شـــاهد این هســـتیم که دایی ســـامان به پیشـــنهاد پیکاسو و با اســـتفاده از ســـاعت جیبی دالـــی، برای تهیه گزارشـــی درباره ی ســـبک کار نقاشـــان آمریکایی به این کشـــور می رود و دایی ســـامان هم همـــراه دالـــی و با یک کشـــتی تفریحی به دل اقیانـــوس می زنند، جکســـون پولاک و دیگر نقاشـــان جنبـــش مدرن آمریکا را که ســـال هـــا قبل می زیســـته اند، ملاقـــات می کنـــد. او حتی جکســـون را در خلـــق مهم ترین اثر هنـــری اش که اکنـــون در موزه ی هنرهـــای معاصر تهران اســـت، یاری می کند.

نقل قـــول دایی ســـامان: دالـــی معترضانه گفـــت: «پگی، من امـــروز برای دیدن نمایشـــگاه نیومـــده ام. فقط اون پســـر رو آوردم که چنـــد تا عکس...» پـــولاک گفت: «بله بـــرام تعریف کـــرد. تازگی‌ها پیکاســـو رو دیـــدی؟» اخم‌هـــای دالی رفت توی هـــم. گفت: «همین چنـــد روز پیش. باید بگـــم از قبلش هم بدتر شـــده. حتی دیگه نقاشـــی‌هاش هم خوب نیســـت.» عصبـــی داد زدم: «امـــا از کارهای شـــما بهتره. فریدا راســـت می‌گفـــت، شـــما اون‌قدر بـــا ظرافـــت نقاشـــی می‌کنین که حـــال آدم به هـــم می‌خوره.»

شخصیت های داستان

با خواندن این داســـتان شـــاید این ســـوال برای مـــا پیش بیاد که شـــخصیت های این داســـتان که دخترها و پســـرها یادگار زمانی هســـتند که خانه ها آپارتمانی نبود، زیرزمینی و ســـردابه داشـــت مادربزرگ و پدربزرگ بودند فقط یک نوســـتالژی ذهنی نویســـنده بوده و آیا هدف از آن چه بوده اســـت؟

پاســـخ این ســـوال را خود جناب مرزوقی می دهـــد: این موضوع خاطرات فانتزی من هســـت که من همیشـــه دوســـت داشـــتم این اتفاقـــات توی زندگیـــم می‌افتاد ولی متاســـفانه این اتفاق نیفتـــاد. و من بـــه خاطر این علاقـــه ای که داشـــتم این بخش از زندگی فقط تونســـتم آن را در تخیل خودم داشـــته باشـــم .بخـــش فانتزی زندگی هـــر انســـانی باعث میشـــه بتونه در برابر کمبـــود ها طاقت بیـــاره و حداقل لحظـــه ای اون طور که دوســـت داره زندگی کنه . شـــخصیت اصلی داســـتان که دایی ســـامان هســـت یک جور شـــخصیت ایده آل خود من هســـت. در این زندگی ذهنی تنها من نیســـتم و هســـتند کســـایی که مثل مـــن فکر می کننـــد و دوســـت دارند مثل دایی ســـامان و بچه‌های این داســـتان باشـــند. همچنین نویســـنده می گوید: بچه‌های امروز خیلی تنها هســـتند و داســـتان مـــن مربوط به بچه‌هـــای امروزه ولی بـــا الگوی دیگـــه یعنی تمام تلاشـــم را کردم کـــه الگوی دیگـــه برای زندگـــی معرفی کنم. همیشـــه کـــه نباید تابـــع واقعیت بود. و ایشـــون جمله قشـــنگی میگن: «واقعیت خمیرمایه اســـت تا با فانتزی و خیال آن را دســـتکاری کنیـــم و اون رو تبدیل به چیزی که دوســـت داریـــم بکنیم.»

تحلیل قسمتی از این مجموعه داستان

یـــک موضوعی که در موقـــع خواندن رمان جلـــد اول-زمانی که هم خانـــه داوینچی بودم- به آن پی میبریم؛ اشـــاره نویســـنده به ســـتونی محکـــم و واقعی در خونـــه مادربزرگ کـــه در ادامه می‌گویـــد همه خانه بـــه این تکیه داده اســـت.

در مصاحبه ای که از آقای مرزوقی شـــده پرسشـــگر از ایشـــان ایـــن ســـوال را مـــی کنند و جـــواب آقـــای مرزوقـــی جالب اســـت:«زمانی که توی جنـــگ بودیم داخل خونمـــون یه دونه از همین ســـتون ها داشـــتیم و هـــر بار حمله هوایی می شـــد مـــا همه بچه‌هـــای کوچه بـــه این ســـتون پناه مـــی گرفتیم و توی آســـمون به رگبارهای شـــلیک شـــده نگاه مـــی کردیم بدون اینکه بترســـیم یا آســـیبی به ما برسد؛ اشـــاره من به آن ســـتون بود ،آن ســـتونی که الان دیگه نیســـت.

در عرفان هم ستون نماد از استحکام است و به نظر من نویسنده با آوردن لفظ ستون و صحبت دایی سامان از استحکام خانه به خاطر آن ستون؛ یک جورایی هم اشاره به استحکام خانواده نیز دارند. در خانه و خانواده چیزی همچون این ستون باید دلیل استحکام باشد. موضوعی که امروزه دغدغه خیلی از خانواده ها است.

و یا نکته ای دیگر در موقع خواندن رمان جلد سوم-زمانی که همسفر ونگوگ بودم- می توان به آن اشاره کرد: به یک جمله ای برخوریم که یک خورده برایمان نتایج آن برای کودکان بعد از خواندن یا شنیدن این تکه از داستان تامل برانگیز هست. این جمله جالب؛ ممکن هست بعضی اوقات الگو باشه و ما ازش استفاده کنیم به نحو مثبت و بعضی وقتها ممکن برداشت اشتباهی بشه و نتیجه خوبی در پیش نداشته باشه.

آن جمله این است که: «پلاس بودن اگر ماحصلش کشف و شهودی تازه در زندگی انسان باشد ، نه تنها امر نکوهیده ای نیست که بسیار هم لازم است. اصلاً انسان در زندگی پخته نمی‌شود مگر مدتی را به پلاس بودن و یالغوزی بگذراند. اگر دقت کرده باشی، تمام بزرگان تاریخ هم چنین دورانی را در زندگی خود سپری کرده اند.»

شاید این جمله به این اشاره دارد که درسته این کار پسندیده ای نیست و طبق عرف و جامعه ما هم چنین کاری ممکن است اثرات منفی داشته باشد اما طی زندگی هر آدمی برای به دست آوردن تجربیات لازم است. شاید یک جورایی اشاره به ستایش بطالت که یک دغدغه فلسفی است دارد که در مورد آن برتراند راسل هم تحقیقاتی کرده و کتابی نوشته است.

یا شاید هم به این اشاره دارد که اگه بدترین و خسته کننده ترین تجربیات رو نداشته باشی شادمانه ترین و خوبترین تجربیات را هم تجربه نمی کنی. میتواند بهای دانایی، نادانی بسیار باشد. همانگونه که سیاه با سفید و سفید با سیاه معنی می یابد.

و دیدگه های مختلف دیگری که از همه اینها می فهمیم: چگونه درک کردن این جمله بستگی به شرایط و دیگاه فرد خواننده یا شنونده این داستان است.

نتیجه گیری

شناخت تاریخ و فرهنگ باید از سنین کودکی آغاز شود. این ما هستیم که می توانیم آموزگار کودکان باشیم و هدف زندگی آنها را تغییر دهیم و چه روشی بهتر از طریق هنر و جذابیت های مشهود آن. زیبایی و جذابیت قلم نویسنده برا جذب مخاطبان آن نقش پر اهمیتی دارد. مخصوصا در عرصه کودک و نوجوان نقشی مهم و بنیادین دارد.

ما برای آموزش از طریق هنر به یک سری زیر ساخت ها نیاز داریم و باید این موضوع فرهنگ سازی شود که آموزش هنر صرفا برای نقاش و هنرمند شدن کودکان ونوجوانان نیست بلکه باعث رشد فرهنگی ، اجتماعی، اخلاقی و همچنین رشد مهارت های حرکتی، زبانی، دستی و... آنها خواهد شد. بایدرویکرد هایی را پیش برد و طوری به خانواده ها فهماند که آموزش هنر را لوکس و فعالیتی افزون ندانند؛ بلکه بعضی از فعالیت های ساده و خلاقانه ی هنری پایه های حیاتی رشد کودک هستند.

امروزه یادگیری و رشد فعالیت های خلاق و آموزش تفسیر و تاویل زیبایی شناسی هنری و تصویری، حین رشد کودکان، مهم تر از دیگر فاکتور های رشد و یادگیری آن هاست. باید به رشد همه جانبه کودکان در همه عرصه ها دقت فراوانی شود و مثل قلم این نویسنده-محمدرضا مرزوقی- با طرافت و جزئیات برای رشد و آموزش به کودکان وقت بگذاریم.

به قول اگنس مارتین «هنر نمایانگر واقعی ظریف‌ترین احساسات ماست.» پس بیاییم وجود کودکانمان را با ظرافت هرچه تمام در مسیر رشد قرار دهیم.

گزارش نمایشگاه شوروشین عاشورایی

فریدون مردانی
مدیر اجرایی نمایشگاه شوروشین
mardani.f.art@gmail.com

انجمن علمی هنرهای تجسمی ایران، امسال نیز به رسم سالهای پیش، توفیق یافت تا بیست و سومین نمایشگاه عاشورایی خود را در جمع هنرمندان، اساتید و فرهیختگان فرهنگ و هنر در واپسین روزهای ماه صفر، مهرماه ۱۳۹۹ با عنوان شور وشین به صورت مجازی در صفحه اینستا گرام و سایت انجمن برگزار کند.

این نمایشگاه که طی دو دهه اخیر بیاد مظلومیت سالار شهیدان و اهل بیت نبوت برپا می شود، در سال جاری به علت بیماری فراگیر اجتماعی به تاخیر افتاد و مصادف شد با سالروز رحلت پیامبر اسلام (ص)، شهادت امام حسن مجتبی (ع) و امام رضا(ع).

گزارش دبیرخانه انجمن و نمایشگاه:

نمایشگاه شوروشین منتخب آثار هنرمندان سراسر کشور شرکت کننده در بیست و سومین نمایشگاه محرم که هرساله توسط انجمن علمی هنرهای تجسمی ایران برگزار میگردد. در این دوره با همکاری معاونت فرهنگی اجتماعی دانشگاه الزهرا و دانشگاه علم و فرهنگ، آموزشگاه مکعب و گالری آنلاین برگزار شد .

نمایشگاه شور و شین از مورخه بیست و پنجم مهرماه و همزمان با واپسین ایام ماه صفر، در چهار بخش عکاسی، پوستر، تصویرسازی و نقاشی با آثاری از اعضای انجمن و سایر هنرمندان شرکت کننده سراسر کشور و بخش جنبی با دعوت از اساتید دانشگاه، با توجه شیوع ویروس کرونا و خانه نشینی هنرمندان، این دوره در صفحه اینستاگرام انجمن به نشانی *art_festival_avoa* بصورت مجازی به نمایش گذاشته شد که امیدواریم بعد از جریان کرونا بتوانیم منتخب این آثار را بر روی دیوار گالری های معتبر شهر تهران در معرض دید عموم قرار دهیم .

لازم به ذکر است که بعد از اعلام فراخوان عمومی تعداد نهصد و هشتاد و چهار اثر به دبیرخانه ارسال گردید که پس از داوری اولیه تعداد صد و بیست اثر در بخش های مختلف به نمایشگاه راه پیدا کرد که امیدوارم مورد توجه علاقمندان به هنر قرارگرفته باشد.

در ادامه آثار برگزیده قابل مشاهده می باشد.

یا قمر السیره

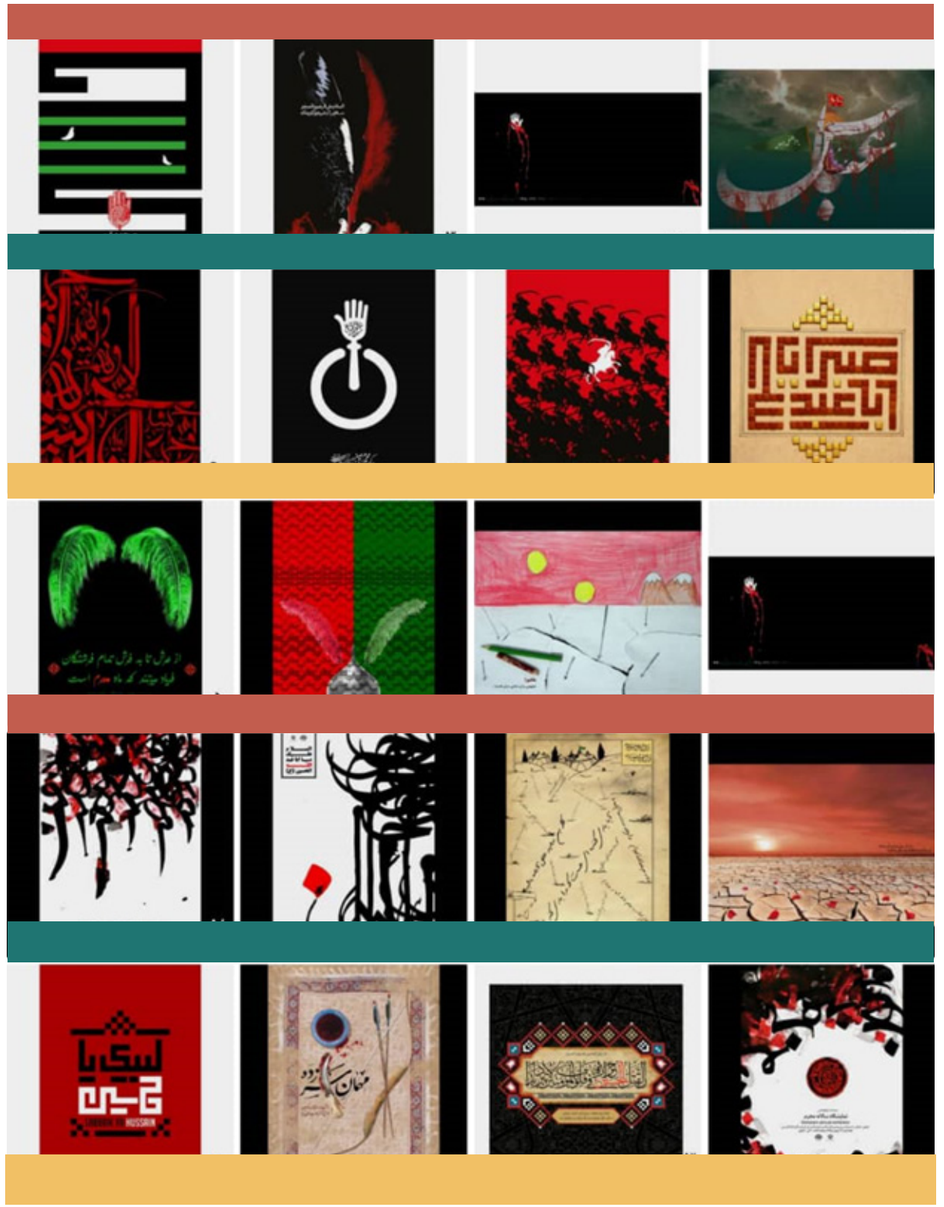

فرهیخته گرامی:
جهت درخواست اشتراک نشریه، فرم اشتراک را تکمیل نموده و همراه با تصویر کارملی به آدرس پست الکترونیکی نشریه ارسال فرمایید.(دانشجویان محترم جهت استفاده از تخفیفات دانشجویی، لازم است تصویر کارت دانشجویی خود را نیز ضمیمه نمایند.)
پس از دریافت فرم تکمیل شده اشتراک، از سوی دفتر نشریه جدول تعرفه و شرایط بهره مندی از تخفیفات و نحوه و میزان پرداخت مبلغ اشتراک برای متقاضیان محترم ارسال خواهد شد.
آدرس پست الکترونیکی: *Art.re.ir92@gmail.com*
نشانی: تهران، میدان ونک، خیابان ده ونک، دانشگاه الزهرا(س)، واحد نشریات
تلفن: ۰۲۱۸۸۰۴۱۳۴۳

فصلنامه علمی-تخصصی هنر پژوه
انجمن علمی-دانشجویی پژوهش هنر دانشگاه الزهرا(س)

فرم اشتراک فصلنامه علمی-تخصصی هنر پژوه دانشگاه الزهرا(س)

نام و نام خانوادگی/موسسه/سازمان: .....
تاریخ تکمیل فرم:.....شغل/نوع فعالیت:.....میزان تحصیلات:.....
رشته تحصیلی:.....
نشانی پستی:.....کدپستی ده رقمی: .....
تلفن تماس:.....
آدرس پست الکترونیکی.....

خواهشمند است اشتراک اینجانب با مشخصات یاد شده را برقرار نمایید.
امضای متقاضی: